

A Comparative Comparison of Transcendent Governance in Islam and Good Governance in the West

Bahador Zarei¹, SeiedAbbase Ahmadi², Zahra Pishgahifard³, Mohsen AbediDorche⁴

¹ Assistant Professor, Political Geography, Faculty of Geography, University of Tehran
Tehran, Iran, b.zarei@ut.ac.ir

² Assistant Professor, Political Geography, Faculty of Geography, University of Tehran
Tehran, Iran, abbas_ahmadi@ut.ac.ir

³ Professor, Political Geography, Faculty of Geography, University of Tehran
Tehran, Iran, Sorour1334@yahoo.com

⁴ PHD Student, Political Geography, Alborz Campus, University of Tehran
Tehran, Iran, abedi.mohsen.dor@ut.ac.ir

Corresponding author: Mohsen AbediDorche, abedi.mohsen.dor@ut.ac.ir

Copyright © 2019 The First National Congress of Governance. All rights reserved.

Abstract. This Study Explains the Theories of Muslim and Western Thinkers About Transcendent Rule in Islam and Good Governance in the West. Today, Recognizing Good Governance and the Ideal Situation is the Effort of Most World Societies. Characteristics and Basic Components of Governance in the Desirability and Gaining Popular Satisfaction With Them are the Most Important Issues in Governance and Achieving Perfection and Prosperity of Individuals and Communities. In the Meantime, the Main Approach of the Transcendent Islamic Rule is the Material Perfection and the Hereafter of Human Beings, and This is Due to Their God-Centered Tendency. Islam, with a God-Centered Attitude, Introduces the Happiness of the Hereafter as the Goal of the Creation of Human Beings and Societies. Accordingly, Since the Purpose of the Creation of the World, Human Beings, Societies, and the Formation of Governments, is the Attainment of Eternal Bliss, On the Other Hand, Western Liberal Democracies and Good Governance, by Striving for Sustainable Economic Development, Strive for the Maximum Welfare of Societies and the Benefit of the Rulers From its Power and Material Aspects.

Keywords: Governance, Transcendent Governance, Islam, Good Governance, Liberal Democracy

مقایسه تطبیقی حکمرانی متعالی در اسلام و حکمرانی خوب در غرب*

بهادر زارعی^۱، سیدعباس احمدی^۲، زهرا پیشگاهی فرد^۳، محسن عابدی درچه^۴*

۱- استادیار، جغرافیای سیاسی، دانشکده جغرافیای دانشگاه تهران، تهران

۲- استادیار، جغرافیای سیاسی، دانشکده جغرافیای دانشگاه تهران، تهران

۳- استاد، جغرافیای سیاسی، دانشکده جغرافیای دانشگاه تهران، تهران

۴- دانشجوی دکتری، جغرافیای سیاسی، پردیس البرز دانشگاه تهران، تهران

چکیده. این پژوهش به تبیین نظریه‌های اندیشمندان مسلمان و غرب پیرامون حکمرانی متعالی در اسلام و حکمرانی خوب در غرب می‌باشد. امروزه شناخت حکمرانی مطلوب و وضعیت ایده‌آل و آرمانی تلاش اکثر جوامع جهانی است. ویژگی‌ها و مولفه‌های اساسی حکمرانی‌ها در مطلوبیت و کسب رضایت مردمی از آن‌ها مهم‌ترین مباحث در حکومت‌داری و رسیدن به کمال و سعادت افراد و جوامع است. در این میان، رویکرد اصلی حکمرانی متعالی اسلامی کمال مادی و اخروی انسان‌ها بوده و این به دلیل گرایش خدامحوری آن است. اسلام با نگرشی خدامحور، سعادت اخروی را هدف خلقت انسان‌ها و جوامع معرفی می‌نماید. بر همین اساس، از آنجایی که هدف خلقت دنیا، انسان‌ها، جوامع و تشکیل حکومت‌ها نیل به سعادت ابدی است، از سوی دیگر، لیبرال دموکراسی غرب و حکمرانی خوب با تلاش بر توسعه پایدار اقتصادی سعی در رفاه حداکثری جوامع و بهره‌مندی حکمرانان از قدرت و جوانب مادی آن می‌باشند.

کلیدواژگان: حکمرانی، حکمرانی متعالی، اسلام، حکمرانی خوب، لیبرال دموکراسی

* این مقاله مستخرج از رساله دکتری محسن عابدی درچه با عنوان «الگوی حکمرانی مطلوب به منظور ارتقاء اقتدار ملی جمهوری اسلامی ایران» در رشته جغرافیای سیاسی پردیس البرز دانشگاه تهران می‌باشد.

متناسب با اندیشهٔ سیاسی و ایدئولوژی سیاسی، نوع نظام سیاسی و توزیع قدرت در هر کشوری مبتنی بر باورهای ایدئولوژیکی و ملی آن جامعه بنا نهاده شده است، بر این اساس ابتدا الگوی حکمرانی یا حکمروائی و توزیع قدرت در هر کشوری متناسب با نظام سیاسی حاکم بر آن کشور است. هر چند اصول کلی حاکم بر آن می‌تواند از یک اندیشه، ایدئولوژی و قواعد صحیح و درست سرچشمه بگیرد [۱] از سوی دیگر، واژه «حکمرانی»^۱ واژهٔ جدیدی است که در رابطه با واژهٔ قدیمی «دولت» معنا و مفهوم روشنی ندارد. در فرهنگ لغت آمریکایی «هریتیج» واژهٔ «حکمرانی» به عنوان «فعالیت، شیوهٔ عمل یا قدرت حکمراندن؛ دولت» معنا شده است. در فرهنگ لغت انگلیسی آکسفورد، حکمرانی «فعالیت یا روش حکمراندن، اعمال کنترل یا قدرت بر فعالیتهای زیردستان؛ نظامی از قوانین و مقررات» تعریف شده است. در دایره‌المعارف بین‌المللی علوم اجتماعی نه تنها تعریف واژهٔ «حکمرانی» وجود ندارد بلکه در نمایه آن نیز چنین واژه‌ای درج نشده است [۲] در یکی از گزارش‌های بانک جهانی دربارهٔ آفریقا، حکمرانی به صورت «اعمال قدرت سیاسی به منظور ادارهٔ امور یک ملت» معنا شده است [۳]. همچنین بانک جهانی «حکمرانی را به عنوان روشی که بر اساس آن قدرت بر مدیریت اقتصادی یک کشور و منابع اجتماعی آن برای رسیدن به توسعه اعمال می‌شود» تعریف می‌کند، در حالی که بوئینگر حکمرانی را به عنوان «دولت مطلوب جامعه» تعریف می‌کند [۴]. حکمرانی در لغت به معنای اداره و تنظیم امور است و به رابطهٔ میان شهروندان و حکومت‌کنندگان اطلاق می‌شود. از اواخر دهه ۹۰م، نهادهای بین‌المللی سیاست‌گذاری اقتصادی همچون بانک جهانی، برنامه عمران سازمان ملل و تا حدودی صندوق بین‌المللی پول سیاستی به نام حکمرانی خوب^۲ را به عنوان کلید معمای توسعه مطرح نمودند. موضوع محوری حکمرانی خوب چگونگی دست‌یافتن به حکومتی است که بتواند زمینه‌ساز توسعه‌ای مردم‌سالار و برابر خواهانه باشد [۲]. واژهٔ حکمرانی خوب نخستین بار توسط ویلیام سون در سال ۱۹۷۹ در ادبیات اقتصادی به کار گرفته شد و از سال ۱۹۸۰ به بعد استفادهٔ این واژه در حوزه‌های دیگر گسترده‌تر شد. اما کاربرد جهانی این واژه به گزارش سالانهٔ بانک جهانی در سال ۱۹۸۹ باز می‌گردد که این گزارش نیز حکمرانی خوب را از منظر اقتصادی مورد بررسی و ارزیابی قرار داده بود. بانک جهانی در مطالعات سال ۱۹۸۹ دریافت که حکمرانی (شیوهٔ مدیریت کشور یا رابطهٔ شهروندان با حکومت‌کنندگان)، موضوع محوری توسعه به شمار می‌آید. اما امروزه حکمرانی و حکمرانی خوب مفاهیمی هستند که در جغرافیای سیاسی، علوم سیاسی، جامعه‌شناسی سیاسی، امور دولتی و به ویژه مدیریت توسعه مطرح و به کار گرفته می‌شوند. حکمرانی خوب گفتمان جدیدی است که با مولفه‌هایی مانند قانونمندی، مشارکت، مسئولیت‌پذیری، پاسخگویی، شفافیت، اثربخشی و کارایی تعریف می‌شود که در سال‌های اخیر مورد توجه قرار گرفته است. این مفاهیم در کنار مفاهیمی دیگر مانند دموکراسی، جامعهٔ متمدن، مشارکت شهروندان، حقوق بشر و توسعهٔ اجتماعی و پایدار معنی می‌یابند. بنابراین با توجه به موضوعیت یافتن این مفاهیم و ضرورت توجه به آن‌ها به دلیل تغییرات مستمر جوامع و ارتباط آن‌ها با یکدیگر، تعیین سطوح به‌کارگیری و متولیان جاری‌سازی آن اهمیتی قابل توجه دارد [۵-۶]. در سه دههٔ اخیر در جهان شاهد دگرگونی عمده‌ای در نحوهٔ اداره کردن کشور هستیم که تأکید بر اجماع همهٔ نیروهای درونی کشور برای مشارکت در ادارهٔ کشور دارد. ساز و کاری که بتواند توانایی‌ها و ایده‌های بخش دولتی، بخش خصوصی و بخش جامعه مدنی را هم‌افزایی کند و در تعیین هدف، تصمیم‌سازی و اجرای برنامه‌ها در سطح ملی و محلی مشارکت فعال داشته باشد. این فرآیند که «گاورننس» نامیده شده است متکی بر دموکراسی، پاسخگویی، مسئولیت‌پذیری، شفافیت، اثربخشی، کارآمدی، مشارکت و خودگردانی است. این در حالی است که گاورننس محصول یک فرآیند و کنش عناصر مختلف مشارکت بخش دولتی، جامعهٔ مدنی و بخش خصوصی برای هم‌افزایی نیروهای مثبت برای اداره کردن بهتر امور جامعه در قلمرو مشخصی از فضا است که مبتنی بر اصول دموکراتیک و مکانیزم برنامه‌ریزی از پایین به بالاست تا بهترین تصمیم‌سازی و حداکثر خدمات‌رسانی و رضایت‌مندی عمومی را فراهم کند [۷]. همان‌طور که می‌دانیم، حکمرانی مطلوب حرکت از «وضعیت نامطلوب» به «وضعیت مطلوب» بر اساس «راهبرد ترسیم الگوی حکمرانی مطلوب» می‌باشد [۸]. بر همین اساس، راهبرد الگوی حکمرانی مطلوب در هر کشوری و جغرافیایی متناسب با اندیشهٔ سیاسی و ایدئولوژی حاکم بر آن جامعه متفاوت از دیگر جوامع می‌باشد، و پیچیدن نسخهٔ واحد تحت عنوان جهانی‌شدن بدون در نظر گرفتن، فطرت انسانی، تلازم سعادتمندی و آخری انسان‌ها، شرایط جغرافیایی و بومی کشورها، آداب و رسوم و عقاید و حقایق جهان واقعی، امری ناپسند و غیرعقلانی است. در جهان کنونی تقابل دو ایدئولوژی سیاسی در قالب دو پارادایم غالب در امور بین‌الملل یعنی اسلام و لیبرال دموکراسی، دو رویکرد متفاوت از حکمرانی منبعث از این دو اندیشه شکل گرفته که هر کدام ویژگی‌ها و مولفه‌های خاص خود را در روش ادارهٔ امور جامعه به‌عنوان الگو و سرمشق حکمرانان معرفی کرده و به کار می‌بندند.

1 Governance

2 Good Governance

۲- روش تحقیق

پژوهشگران در این مقاله با جستاری در نظریه‌ها، رویکردها و اندیشه‌های سیاسی دانشمندان غربی و سازمان‌های بین‌المللی در حوزه حکمرانی خوب و از سوی دیگر، روایات ائمه معصومین OAI و نیز اندیشمندان مسلمان بعد از آنها در زمینه حکمرانی متعالی^۱ از ظهور اسلام تا به حال، با توصیف افکار و آراء آنان در زمینه حکمرانی مطلوب و جامعه مطلوب، از طریق منابع کتابخانه‌ای شامل کتاب‌ها، مقاله‌ها و پایان‌نامه‌های مرتبط با موضوع حکمرانی به تجزیه و تحلیل دو شیوه حکمرانی خوب و حکمرانی متعالی و مقایسه تطبیقی این دو رویکرد پرداخته‌اند.

۳- یافته‌های تحقیق

۳-۱- حکمرانی

فرهنگ فارسی معین در تعریف حکمران و حکمفرما واژگان مترادفی نظیر «حاکم، والی، فرمانروا، حکمران» را آورده است [۹]. حکمرانی در لغت به معنای اداره و تنظیم امور است و به رابطه میان شهروندان و حکومت‌کنندگان اطلاق می‌شود [۱۰]. حکمرانی در لغت به معنای حکومت، فرمانروایی، راهبری و حکمرانی تعریف شده است [۱۱]. معادل اصطلاح گاورننس را در زبان فارسی «حکمرانی» و برخی «حکمرانی» بیان کرده‌اند. به نظر می‌رسد که مفهوم حکمرانی در زبان فارسی «حکم روا کردن» و یا «حکم روا داشتن» و معنای حکمرانی، «حکم راندن» است [۷]. واژه «حکمرانی» واژه جدیدی است که در رابطه با واژه قدیمی «دولت» معنا و مفهوم روشنی ندارد. در فرهنگ لغت آمریکایی «هریتیج» واژه «حکمرانی» به عنوان «فعالیت، شیوه عمل یا قدرت حکمرانان؛ دولت» معنا شده است. در فرهنگ لغت انگلیسی آکسفورد، حکمرانی «فعالیت یا روش حکمرانان، اعمال کنترل یا قدرت بر فعالیت‌های زیردستان؛ نظامی از قوانین و مقررات» تعریف شده است. در دایره‌المعارف بین‌المللی علوم اجتماعی نه تنها تعریف واژه «حکمرانی» وجود ندارد بلکه در نمایه آن نیز چنین واژه‌ای درج نشده است [۲]. زارعی به نقل از مک‌کیم و همکارانش می‌نویسد: «حکمرانی به روابط بین دولت و جامعه مدنی، حکمرانان و حکمرانی شوندگان، حکومت و حکومت شوندگان مربوط می‌شود» و تعریف بانک جهانی از حکمرانی را چنین بیان می‌کند: «فرآیندها و نهادهایی که از طریق آن تصمیمات اتخاذ و اقتدار در یک کشور اعمال می‌شود». همچنین تعریف برنامه عمران سازمان ملل را اینگونه می‌آورد: «اعمال اقتدار اقتصادی، سیاسی و اجرایی به منظور اداره امور یک جامعه در تمام سطوح حکمرانی شامل مکانیسم‌ها، فرآیندها و نهادهایی است که از طریق آن شهروندان و گروه‌ها منافع‌شان را منسجم و مشخص می‌کنند، با وظایف‌شان آشنا می‌شوند و اختلافات‌شان را حل و فصل می‌کنند» و در جایی دیگر، تعریفی دیگر از همین سازمان این چنین بیان می‌کند: «حکمرانی اعمال اقتدار اداری، اقتصادی، سیاسی در راستای مدیریت امور کشور در تمام سطوح بوده و ساز و کارها، فرآیندها و مؤسساتی را در بر می‌گیرد طریق آن‌ها شهروندان و گروه‌های جامعه منافع خود را به هم پیوند زده، حقوق خود را پیگیری، تعهدات خود را ادا و اختلافات خود را حل و فصل نمایند». تعریف صندوق بین‌المللی پول را نیز این طور ذکر می‌کند: «با توجه به اهداف صندوق بین‌المللی پول، حکمرانی منحصر به جنبه‌های اقتصادی و غیره در دو زمینه بهبود اداره منابع عمومی، حمایت از توسعه و حفاظت از شفافیت و اقتصاد پایدار و محیط قانونمند است که مساعدت‌کننده فعالیت‌های بخش خصوصی کاراست» [۵]. در واقع، حکمرانی روش و شیوه اداره امور یک گروه، جامعه، کشور یا منطقه‌ای خاص با استفاده از ابزار در اختیار و اهداف از پیش تعیین شده می‌باشد. به عبارت دیگر، حکمرانی روش و شیوه اداره امور یک جامعه هدف در مقیاس‌های مختلف جغرافیایی از مقیاس سکونتگاهی تا محلی، ناحیه‌ای و ملی در سطح فروملی و ملی و مقیاس‌های منطقه‌ای، بین‌المللی، تمدنی و جهانی در سطح فراملی می‌باشد. حکمرانی جهانی، حکمرانی تمدنی، حکمرانی بین‌المللی و حکمرانی منطقه‌ای ناظر به نوعی از حکمرانی است که با نگاهی کلان سعی در اجرای حکمرانی جهانشمولی دارد تا با وحدت و انسجام فراملی بتواند هدایت و سعادت بشریت را رقم بزند. حکمرانی شرکت‌های فراملیتی و چند ملیتی، حکمرانی سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای بخشی از این نوع حکمرانی است که اکنون با دیدگاه‌های اکثراً غربی شکل گرفته و امور مربوطه را با اهداف مشخص پیگیری، اجرا و نظارت می‌نمایند. از سوی دیگر حکمرانی ملی، ناحیه‌ای، محلی و سکونتگاهی معطوف به نوعی از حکمرانی است که در مقیاس فروملی و خرد جغرافیای اداره امور یک کشور، استان، شهرستان، شهر و روستا را در بر می‌گیرد. حکمرانی در مقیاس فروملی می‌تواند در بخش‌های دولتی، خصوصی، مردم‌نهاد و سایر گروه‌ها و جوامع در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی انجام شود.

۲-۳- حکومت^۱، حاکمیت^۲ و پارادایم‌های غالب حکمرانی در جهان

حکومت بعد عمودی ساختار سیاسی تشکیلاتی قانونی است که بر بنیاد رضایت عمومی مردم در یک گروه انسانی مشخص پای می‌گیرد که «سرزمین» چهره افقی آن شمرده می‌شود. به گفته دیگر، سرزمین سیاسی (کشور) جلوه‌گاه فیزیکی است که بعد عمودیش حکومت خوانده می‌شود [۱۲]. هر چند تعدادی از نویسندگان چنین اظهار داشته‌اند که حکومت و دولت دو کلمه مترادف هستند، اکثریت افراد صاحب‌نظر چنین عقیده دارند که حکومت یک وسیله و ابزار ضروری دولت است و یا حکومت را می‌توان سازمانی از دولت نامید که به‌طور عادی از سه قسمت یعنی قوه مجریه، قوه مقننه و قوه قضائیه به اضافه تشکیلات اداری تشکیل شده است [۱۳]. انواع گوناگونی از شکل و ساختار حکومت وجود دارد، اما همان‌طور که لیکاک گفته است برای به وجود آمدن حکومت: «صرف وجود اطاعت از نیروی برتر کافی است. شکل‌های استبدادی یا ستمگری حکومت با فراهم کردن این شرایط، همان وضعیت سیاسی را به وجود می‌آورد که اگر اقتدار حکومت از رضایت عمومی برآمده باشد» [۱۴]. در مجموع، از میان نظریه‌های گوناگون مربوط به حاکمیت، می‌شود در مورد دو گروه اصلی از باورهای مربوط به ریشه حاکمیت بحث کرد: (۱) نظریه‌های حاکمیت الهی؛ (۲) نظریه‌های حاکمیت مردم [۱۵]. به دیگر سخن پارادایم‌ها و گفتمان‌های غالب در حوزه حکمرانی در مقیاس‌های مختلف جغرافیایی شامل: مقیاس‌های سکونتگاهی، محلی، ناحیه‌ای، ملی، منطقه‌ای، بین‌المللی، تمدنی و جهانی؛ از دو اندیشه اصلی لیبرال دموکراسی غربی و اسلام ناب محمدی (ص) نشأت می‌گیرند. رویکرد یا نظریه حکمرانی خوب منبعث از اندیشه سیاسی لیبرال دموکراسی غرب و رویکرد یا نظریه حکمرانی متعالی از اندیشه سیاسی اسلام ناب شیعی سرچشمه می‌گیرند.

۱-۲-۳- نظریه حکمرانی متعالی (خدای‌محوری)

حکمرانی متعالی، داستان تعهد آگاهانه، جدی، مستمر و مستقل جامعه به تحقق عدالت اجتماعی است؛ بنابراین علاوه بر ویژگی‌های حکمرانی خوب، نظیر حاکمیت قانون، بهبود کیفیت، بهره‌مندی از سیستم قضایی مستقل، تفکیک قوای متعادل، تلاش برای نیل به اجماع در جامعه، تمرکززدایی و مبارزه با فساد و رفتارهای خودسرانه، رعایت منافع ملی در عقد قراردادهای شایسته‌سالاری اداری، کاهش هزینه و توجه به بازده عملکرد [۱۶]. نیز مورد توجه قرار می‌گیرد. بدین ترتیب، در اثر توسعه حکمرانی متعالی، جامعه‌ای متعالی شکل می‌گیرد؛ جامعه‌ای آگاه، جدی، مستقل و مراقب. این مهم مستلزم جهاد در همه ارکان و احوال زندگی است. جهادی که حتی در حفظ شرایط اقتصادی و اجتماعی نیز متجلی می‌شود [۱۷]. در نظریه حاکمیت الهی، قدرت ناشی از نیروی ماوراءالطبیعه است که از سوی خداوند، طبق موازین و احکامی، به مسئولان و مراتب پایین‌تر انتقال می‌یابد [۱۸-۱۵]. این دیدگاه بر مبنای ادیان و کتب مقدس آسمانی و دستوره‌های دینی متکی است. در مکاتب الهی، اعتقاد و باور پیروان واقعی ادیان بر این است که هر گونه قدرتی تنها از اراده خداوند نشأت می‌گیرد و خداست که از هر عیبی مبرا و از ظاهر و باطن دو عالم آگاه است. از دیدگاه توحیدی، انسان آفریده خداوند (ممکن‌الخطا) و در دستگاه عظیم آفرینش موجودی فناپذیر با آگاهی‌های بسیار محدود است. به اعتقاد پیروان این دیدگاه، انسان در عین حالی که مختار آفریده شده و می‌تواند مسیر رشد و تعالی را انتخاب کند، ولی هرگز قادر نخواهد بودجه‌ای از کمال برسد که واجد شرایط قانون‌گذاری برای زندگی و سعادت دنیوی و اخروی‌اش و جامعه باشد. بنابراین دیدگاه، انسان شایستگی لازم را برای وضع قوانین ندارد، بلکه تمام قدرت و حکومت از مشیت خداوندی است که پس از تعلق گرفتن اراده خداوند بر خلقت انسان، از بین مردم برگزیدگانی را از هیوط آدم (OAP) به زمین تا بعثت حضرت خاتم‌النبین (ص) به پیامبری مبعوث و به آنان رسالت داد تا مردم را به یکتاپرستی و راه صحیح زندگی دعوت کرده، زمینه رستگاری آن‌ها را در دو جهان مهیا کنند [۱۹]. طرفداران این نظریه مدعی هستند که تشکیل دولت ناشی از حکمت الهی و اراده خداوندی بوده و متصدیان امور از طرف خداوند مبعوث می‌شوند و از جانب و به نمایندگی او مردم را اداره می‌کنند. این نظریه در ممالک قدیم مانند مصر، چین، آشور، کلد و حتی در یونان و روم نیز معمول بوده است. در آن دوران فرمانروایان ماهیت خدایی داشته‌اند و خود در زمره خدایان بوده‌اند. مردم مصر و روم، فرعون‌ها و امپراتوران را از خدایان می‌دانسته‌اند. پس از ظهور حضرت مسیح (OAP) این نظریه توسعه یافت و از طرف روحانیون مسیحی تقویت شد. در حقیقت روحانیون مسیحی برای پیغمبرانی که فرستاده خداوند هستند، حق حاکمیت قائل شده و معتقد بودند که آن‌ها باید بر مردم حکومت کنند و تعالیم دینی را در اجتماع اجرا نمایند و پس از پیغمبران، وظیفه روحانیون است که اداره امور کشور را در دست گیرند. غالب نویسندگان قرون وسطا مانند سنت آگوستین، دولت را ناشی از خداوند دانسته و مدعی بودند که اداره مملکت بایستی در دست روحانیون و نمایندگان مذهب مسیح باشد. شیخ‌الرئیس ابوعلی سینا در قرن چهارم و پنجم هجری نیز برای دولت منشأ الهی قائل شده و از این نظریه چنین نتیجه گرفته است که مقنن

1 State

2 Sovereignty

باید از طرف خداوند مبعوث شود [۱۳]. به اعتقاد پیروان حقیقی ادیان الهی، قدرت خداوند نامحدود و وجود اقدسش از هر نقصی مبرا است. از این رو فرستادگانش حامل بهترین قوانین بوده و شایسته‌ترین افراد برای تشکیل حکومت و اداره جامعه هستند. حکومت‌های خدایی بر مبنای توحید، نبوت، معاد و حذف اعتبارهای طبقاتی، قومی و نژادی بنا می‌شوند و کل جامعه انسانی را مورد خطاب خود قرار می‌دهند. حکومت‌های الهی مبارزه با ظلم، فساد و جنایت را سرلوحه کار خود قرار می‌دهند و آرمان آن‌ها تعالی و سعادت انسان است [۱۹]. قرن هفده و هجده میلادی، دوره‌ای است که در آن رشد علوم تجربی روی داد و این موضوع باعث بروز روحیه افراطی علم‌گرایی شد. این علم‌گرایی که روش آن، تأکید مفرط بر تجربه بود، اساساً به نفی تدبیر و حاکمیت خدا انجامید و خدا به سان، ساعت‌سازی تصویر شد که جهان را آفرید و آن را به حال خود رها ساخت. به علاوه، در دوره فوق، نظریه حکومت خدا (تئوکراسی) مورد تشکیک جدی و عمیق قرار گرفت و به جای آن، نظریه‌هایی ارائه شد که در آن‌ها، مشروعیت حاکمیت سیاسی - اجتماعی، موکول به رأی مردم گردید و حکومت از بالا به پایین، جای خود را به حکومت دموکراتیک (مردم) و از پایین به بالا داد [۲۰].

۲-۲-۳- نظریه حکمرانی خوب (انسان‌محوری)

دموکراسی از واژه democratica یونانی گرفته شده که خود ترکیبی از demos به معنی مردم و kraton یعنی حکومت کردن است. به این ترتیب، دموکراسی یعنی حکومت کردن به وسیله مردم [۲۱]. کارل کوهن در این باره چنین می‌نویسد: «سازوکاری که بتواند برآیند آراء مردم برای اداره امور عمومی یک جامعه را به کرسی بنشانند، دموکراسی گویند. به عبارت ساده‌تر معنای دموکراسی، «حکومت کردن به وسیله مردم برای مردم»، «حکومت بر پایه رضایت»، «فرمانروایی اکثریت»، «حکومت با حقوق برابری برای همه» و «حاکمیت خلق» است [۲۲]. در نظریه حاکمیت مردم، قدرت برآمده از درون قشرهای مردم است که، با حرکتی از پایین به بالا، از قاعده هرم اجتماعی آغاز می‌شود و تا رأس هرم صعود می‌کند [۱۸-۱۵]. از نظر تاریخی، دموکراسی را می‌توان در یونان جستجو کرد، اما افلاطون و ارسطو نظر مساعدی نسبت به آن نداشتند و آن را عوام‌فریبی و شکل فاسد حکومت انبوه مردمی می‌پنداشتند [۲۳]. دموکراسی لفظی است یونانی و معنی آن حکومت مستقیم و بدون واسطه مردم است. برخی علما، دموکراسی را ترکیبی از دو عنصر آزادی و تساوی دانسته، معتقدند که برای تشخیص حکومت دموکراتیک از غیر آن، باید دید منشأ و منبع غالب تصمیمات جامعه در کجاست [۲۴-۱۳]. مردمی بودن حکمرانی بدین معناست که مردم در تعیین سرنوشت خود و مدیریت سیاسی جامعه خود سهیم باشند. دموکراسی عنوانی است که اندیشمندان غربی بر مردمی بودن حکمرانی نهاده‌اند [۸]. دموکراسی آزادی بدون قید و بند است و افراط در آزادی به همه شئون زندگی سرایت می‌کند. جامعه دموکرات نیز، با وجود رواج آزادی و برابر، جامعه‌ای طبقاتی است و علت این امر آزادی بی‌حدومرز است [۱۵]. در غرب نخستین گام به سوی دموکراسی در نیمه اول سده هفدهم برداشته شد. عقاید دموکراتیک و جنبش‌های آن از تجلیات مهم، و نه اصلی، انقلاب انگلستان بود. احکام بنیانی کانکتیکت که در ۱۴ ژانویه ۱۶۳۶ به وسیله شهروندان هارتفورد و شهرهای مجاور آن تنظیم شد، نخستین «قانون اساسی مکتوب دموکراسی جدید» بود [۲۵]. اساس حکومت مردم در عصر جدید به گونه‌ای جهانشمول با ظهور دو تحول عمده در قرن هجدهم استوار گشت. نخست تصویب قانون اساسی دولت فدرال آمریکای شمالی در سال ۱۷۸۷ و سپس انقلاب کبیر فرانسه در سال ۱۷۸۹ و صدور اعلامیه حقوق بشر و شهروند و متعاقب آن تصویب قانون اساسی انقلابی ۱۷۹۱ در آن کشور. در واقع انقلاب کبیر فرانسه نظریه مردم‌سالاری را که تا آن زمان جنبه آرمانی و فلسفی داشت در قالب حقوقی شکل داد [۲۶]. دموکراسی عبارت است از: آزادی، مساوات، برادری، نظارت مؤثر شهروندان بر امور سیاسی، حکومت مسئول، سیاست علنی و شرافتمندانه، مشاوره آگاهانه و خردمندانه، قدرت و مشارکت مساوی و دیگر فضیلت‌های مدنی [۲۵]. از آنجایی که در جمهوری‌ها، حاکمیت را معمولاً به مردم نسبت می‌دهند [۲۷]. در عمل، دموکراسی بیشتر اصلی در نظر گرفته می‌شود که متضمن رضایت عمومی و کنترل از جانب افرادی است که بر آن‌ها حکمرانی می‌شود و ممکن است به شیوه‌های سیاسی گوناگون و شکل‌های مختلف حکومت بیان شود [۲۸]. در واقع، دموکراسی نوعی رژیم سیاسی است که قدرت حکومت در دست مردم است، زیرا آنان به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم به دنبال انتخابات عمومی مسئولان حکومت را انتخاب می‌کنند. بنابراین در حکومت مردم‌سالاری احزاب متعددی وجود دارد و انتخابات به صورت آزاد صورت می‌گیرد. حکومت مردم‌سالاری بر حسب این که مردم نمایندگان خود را انتخاب کنند یا نکنند می‌تواند دموکراسی مستقیم یا مبتنی بر نظام نمایندگی باشد. دموکراسی بر اساس تفکیک قوا (مقننه، مجریه و قضائیه) و احترام به آزادی‌های بنیادین پایه‌گذاری شده است، بنابراین رژیم پارلمانی یا لیبرال نمی‌تواند همیشه معادل دموکراسی باشد. نمایندگان می‌توانند به دنبال انتخابات خاص که در آن حق رأی شهروندان رابطه مستقیم با پرداخت مالیات دارد، انتخاب شوند. چنین انتخاباتی در بعضی از کشورهای اروپایی همچون انگلستان و آلمان در طول قرن نوزدهم منداول بود که تا شروع جنگ بین‌الملل اول ادامه داشت [۲۹]. پیروان این دیدگاه معتقدند که قدرت از درون جامعه

ناشی می‌شود. این مکتب قدمت زیادی دارد و به صدها سال قبل از میلاد مسیح بر می‌گردد. قدیمی‌ترین دموکراسی‌ها در کشورهای هند، چین و یونان به وجود آمده است. پژوهشگران، دموکراسی هند و چین را قدیمی‌تر از دموکراسی یونان می‌دانند، ولی به نظر آنان یونانی‌ها در معرفی دموکراسی به سایر جوامع پیشدستی کرده‌اند. تاریخ حکایت از آن دارد که دموکراسی در شکل قدیمی‌اش، استمرار پیدا نکرده است؛ به‌طوری که تا قرن هجدهم به جز در کشورهای ایتالیا و سوئیس در سایر جوامع از بین رفته بود. برابر شواهد تاریخی دموکراسی در کشور انگلستان هم قبل از قرن هجدهم شکل گرفته بود، ولی چون پایه قانونی و رسمی نداشت، مورد تقلید سایر ملل قرار نگرفت [۱۹]. حکومت دموکراتیک باید دارای قانون اساسی خاص خود باشد که در آن آزادی‌های بنیادین و تفکیک قوا تضمین شده و رئیس دولت با رأی‌گیری همگانی انتخاب شود. در صورتی که گروهی از افراد جامعه یا اقلیت‌هایی حق رأی نداشته باشند دموکراسی به معنای واقعی صورت نمی‌پذیرد [۲۹].

۳-۳- ویژگی‌ها و مولفه‌های حکمرانی متعالی در اسلام

در نگاه اسلام، حکمرانی وسیله‌ای است برای تحقق بخشیدن به اهداف عالی و عهده‌دار شدن حکومت فی‌حد ذاته شأن و مقامی نیست، بلکه وسیله‌ای است برای اجرای احکام الهی و برقراری نظام عادلانه اسلام [۳۰]. امام خمینی (ولایت فقیه) به‌طور مفصل درباره حکمرانی متعالی صحبت می‌نماید. ایشان در خصوص شرایط زمامدار می‌نویسد: «شرایطی که برای زمامدار ضروری است، مستقیماً ناشی از طبیعت طرز حکومت اسلامی است. پس از شرایط عامه، مثل عقل و تدبیر، دو شرط اساسی وجود دارد که عبارتند از: علم به قانون و عدالت» [۳۱]. حکمرانی متعالی باید چهار ویژگی ضروری و مهم: استقلال، آگاهی، جدیت و استمرار در انتخاب را برای آحاد جامعه مهیا سازد [۱۶]. بر همین اساس متفکرین اسلامی هر کدام ویژگی‌های مطلوبی را برای حکمرانی متعالی، شایسته و خوب در جامعه بیان نموده‌اند. «شیخ طوسی، تأمین و حفظ مصالح عمومی، برقراری نظم و امنیت، بسط عدالت اجتماعی، تأمین رفاه نسبی و عمومی جامعه را از آرمان‌های حکمرانی خوب می‌داند. فیض کاشانی، اهدافی چون عدالت‌ورزی، تأمین رفاه و آسایش، تعلیم و تربیت، مشورت در میان مردم را مورد توجه قرار می‌دهد [۳۲]. چون حکومت اسلام حکومت قانون است، قانون‌شناسان، و از آن بالاتر دین‌شناسان؛ یعنی فقها، باید متصدی آن باشند. ایشان هستند که بر تمام امور اجرایی و اداری و برنامه‌ریزی کشور مراقبت دارند. فقها در اجرای احکام الهی امین هستند. در اخذ مالیات، حفظ مرزها، اجرای حدود امینند. نباید بگذارند قوانین اسلام معطل بماند، یا در اجرای آن کم و زیاد شود [۳۱]. همچنین امام خامنه‌ای (OKPI) در بخش دوم بیانیه گام دوم انقلاب، توصیه‌هایی را برای آرمان بزرگ انقلاب اسلامی یعنی نیل به تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (ارواحنا فداه) به عنوان مطلوب‌ترین حکمرانی شکل گرفته در طول تاریخ بشریت بیان کردند، این توصیه‌ها عبارتند از: ۱- علم و پژوهش؛ ۲- معنویت و اخلاق؛ ۳- اقتصاد؛ ۴- عدالت و مبارزه با فساد؛ ۵- استقلال و آزادی؛ ۶- عزت ملی، روابط خارجی، مرزبندی با دشمن؛ ۷- سبک زندگی [۳۳]. ایشان چهار نوع وظیفه برای حکومت اسلامی بیان می‌نمایند: «یک نوع وظیفه آنها نسبت به خودشان و رسیدگی آنها نسبت به اخلاق و رفتار و سلوک فردی خودشان است که این وظیفه هم معادل وظایف اجتماعی، معادل استقرار عدالت و امنیت و تنظیم امور اجتماعی مردم حائز اهمیت است. یک نوع وظایفی که مربوط به معنویات مردم است؛ مثل رشد دادن اخلاق مردم، شکوفا کردن استعدادهای مردم، رسیدگی به تعلیم و تربیت مردم و از این قبیل. قسم سوم آن، وظایفی است که مربوط به اداره امور جامعه است، مثل استقرار عدالت اجتماعی، استقرار امنیت عمومی، تنظیم ارگان‌های لازم برای خدمات عمومی، بالا بردن درآمد عمومی و کیفیت و کمیت بخشیدن به تولید عمومی و ملی در جامعه. و قسم چهارم تنظیم روابط امت اسلام و جامعه اسلامی با جهان. یعنی تنظیم سیاست خارجی و مسئله جنگ و صلح و ایجاد روابط سالم و حفظ قدرت و شأن و حیثیت و آبروی نظام اسلامی و ملت اسلامی در جهان؛ چه در رابطه با ملت‌ها و چه در رابطه با دولت‌ها. و اگر بخواهیم ما امروز یک حکومت اسلامی کامل داشته باشیم و الگو و سرمشق برای دولت‌های دیگر و کشورهای دیگر بشویم، ناگزیریم که این خصوصیات را بدانیم و بشناسیم و عمل کنیم» [۳۴]. بنابراین، حکمرانی مطلوب مبتنی بر هنجارها، ارزش‌ها، باورها، آرمان‌ها و بایدها و نبایدهای تجویزی است که براساس اصول مبنایی هر نگرش، مکتب و ایدئولوژی سیاسی تصویرپردازی و چشم‌اندازسازی می‌شود و به‌عنوان الگو عملی آن نظام سیاسی به مرحله اجرا و اقدام گذاشته می‌شود. در واقع، وضعیت موجود هر حکمرانی، معطوف به «هست‌های» آن جامعه و وضعیت مطلوب آن معطوف به «بایدهای» آن می‌باشد. «هست‌ها» همان واقعیت‌های وضع موجود هستند و «بایدها» هنجارها و مطلوب‌هایی که مورد نیاز جامعه می‌باشند. بر همین اساس، هر نظام سیاسی بر مبنای ارزش‌ها و هنجارهای خود فهرستی از خصوصیات، ویژگی‌ها و مولفه‌های حکمرانی مطلوب را معین می‌کند تا حکمرانان با سرمشق قرار دادن این اصول به حکمروایی در جامعه بپردازند. از آنجایی که ما معتقدیم دین مبین اسلام کامل‌ترین دین در میان ادیان و مکاتب جهان است، اصول و هنجارهای حکمرانی متعالی را از سیره نبوی (OPI)، علوی (OPI) و فرزندان طاهرین و نوابان آنها به‌عنوان تنها حاکمان مورد تأیید خداوند

استخراج می‌نماییم. برخی از مهم‌ترین مولفه‌های اساسی و اصولی حکمرانی متعالی اسلامی که به‌عنوان مشخصه‌های «دولت کریمه»، «دولت فاضله» و «دولت صالحه» می‌تواند هدایت و سعادت افراد بشر و جامعه را به کمال آرمانی و واقعی مدنظر اسلام رهنمود سازد، عبارتند از:

۱- اتصاف به ایمان، تقوا، معنویت و اخلاق محوری در حکمرانی

شاخص اول در سیره حکمرانی نبوی، ایمان و معنویت است. انگیزه و موتور پیش‌برنده حقیقی در نظام نبوی، ایمانی است که از سرچشمه دل و فکر مردم می‌جوشد و دست و بازو و پا و وجود آنها را در جهت صحیح به حرکت در می‌آورد [۳۵]. اولین صفت حاکم اسلامی، ایمان است. یعنی ایمان به خدا، قیامت، عالم غیب، پیامبران، قرآن، دستورهای الهی و ... کسی که از حقیقت ایمان برخوردار نباشد، نمی‌تواند حاکم اسلامی باشد؛ زیرا ایمان یکی از کمالات است [۳۶]. در سوره حجرات ملاک برتری و مطلوبیت افراد و حکمرانی‌ها را میزان تقوا و پرهیزکاری آنها بیان می‌فرماید: «ان اکرمکم عندالله اتقیکم» (حجرات/ ۱۳)؛ بزرگوار (و با افتخارترین) شما نزد خدا باتقواترین شماست [۳۷]. بنابراین گرامی‌ترین افراد، حکمرانان و حکمرانی‌ها نزد خداوند متعال باتقواترین آنهاست، و همین‌ها شایستگی و لیاقت رهبری و حاکمیت بر مردمی را در کنار سایر ویژگی‌های زمامداری دارند.

۲- افزایش سطح بصیرت دینی، آگاهی سیاسی، علم، فناوری و پژوهش

شاخص دیگر سیره حکمرانی نبوی، علم و معرفت است. در نظام نبوی OμΠ، پایه همه چیز، دانستن و شناختن و آگاهی و بیداری است. کسی را کورکورانه به سمتی حرکت نمی‌دهند [۳۵]. آگاهی و مشارکت و نظارت همگانی مردم با حکومت منتخب خودشان، خود بزرگ‌ترین ضمانت حفظ امنیت در جامعه خواهد بود [۳۸]. حکومت یعنی مظهر ارشاد و هدایت جامعه. در حکومت‌های قدیم، مسئله ارشاد و هدایت از مسئله حکومت منفک بوده است ولی تدریجاً هر چه که جامعه به اصطلاح تکامل پیدا کرده، بر حوزه عمل حکومت‌ها افزوده شده و کم‌کم مسائل فرهنگی و معنوی و ارشاد و هدایت جزء قلمرو حکومت قرار گرفته است [۳۹]. در حکومت اسلامی که شیوه تدبیر و اجرای احکام آن بر مبنای حکمرانی متعالی است، حکمرانان، کارگزاران و زمامداران آن، لازم و ضروری است که از نظر اخلاقی خود را تزکیه و تطهیر نمایند. زیرا در صورت عدم پاکسازی روحی و اخلاقی خود و ورود به عرصه حکمرانی امکان وقوع فساد، خیانت در امانت و وفای به عهد، تجاوز و ستمگری، خیانت در اموال عمومی، پیروی از هوی و هوس، تصمیم‌گیری غیر عاقلانه، نامشروع و غیرقانونی و نیز سایر فسادها و انحراف‌ها در حکمرانی وی متصور می‌باشد.

۳- حاکمیت دین، عقل و قانون در جامعه

در حکمرانی خوب با رویکرد اسلامی، اساس تدوین قوانین، وحی، سنت و سیره پیامبر OμΠ و ائمه معصومین OAP به کمک علم، عقل و خرد جمعی و تجربه می‌باشد که شورای نگهبان ضابط چنین فرایندی می‌باشد [۳۲]. یکی از الزامات حکمرانی متعالی، پیروی از عقل در تصمیم‌گیری‌ها است. با این تأکید که انسان عاقل، حداقل از دو استعداد بهره‌مند است، «استعداد به‌وجود آوردن یک برنامه یا قاعده برای قضاوت و عمل» و «استعداد استفاده از آن قاعده یا اطلاق آن بر موارد خاص یا استفاده از آن برنامه» [۴۰]. حاکمیت قانون به معنای تبعیت تمامی شهروندان، به‌ویژه مدیران و زمامداران از قانون می‌باشد. بدین ترتیب باستی تمام تعامل حکومتی در چهارچوب قانون قرار گرفته و زمامداران مسئول اعمال خویش شوند [۴۱]. اصولاً فایده وضع قانون این است که اگر در موردی اختلاف واقع شد، بتوان با استناد به آن رفع اختلاف کرد؛ یعنی قانون سندی است که با استناد به آن حل اختلاف می‌شود [۴۲]. امام خمینی OωΠ خطاب به حکمرانان در مورد قانون محوری می‌فرماید: «اگر می‌خواهید از صحنه بیرون‌تان نکنند، بپذیرید قانون را. نگوئید قانون و خودتان خلاف قانون عمل کنید. اگر همه روی مرز قانون عمل کنند، اختلاف دیگر پیش نمی‌آید» [۴۳]. حاکمیت دین، عقل و قانون در جامعه باعث افزایش اعتماد و اطمینان مردم جامعه به حکمرانان خود خواهد شد و این حاکمیت سه‌گانه دین، عقل و قانون مسبب ثبات سیاسی حکمرانی و افزایش میزان رضایتمندی مردم شده و در نهایت منجر به ارتقاء سطح اقتدار درونی به‌صورت مستقیم و اقتدار بیرونی فزاینده برای حکمرانی و حکمرانان خواهد شد.

۴- مشارکت و مردم‌سالاری دینی و نظارت مردمی و نهادی در حکمرانی

در «حکمرانی خوب با رویکرد اسلامی»، مشارکت مردم در کلیه فرایندهای حکمرانی یک اعتقاد است. هم در جهت تصمیم‌سازی و هم در جهت تصمیم‌گیری که فرایند مشارکت در انتخابات مجلس خبرگان، انتخابات مجلس شورای اسلامی، شوراهای اسلامی و تعیین رئیس جمهور متبلور می‌باشد. این مشارکت در راستای تحقق خودسازی فردی و جمعی صورت پذیرفته و هدفی بالاتر از بُعد مادی انسان را دربر دارد و

شامل تحقیق بُعد معنوی و کرامت انسانی می‌شود که این بُعد بسیار عمیق‌تر رقم خورده است [۳۲]. تعیین سرنوشت سیاسی افراد و جوامع مختلف ارتباط مستقیمی با مشارکت مردم در شئون مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی و امنیتی جامعه دارد. به‌نحوی که خداوند در سورهٔ رعد خطاب به آحاد انسان‌ها می‌فرماید: «ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم» (رعد/ ۱۱)؛ خدا حال هیچ قومی را دگرگون نخواهد کرد مگر این که آنان حال خود را تغییر دهند [۳۷]. امام خمینی OoΠ در مورد مشارکت مردم در همهٔ صحنه‌ها و امور ادارهٔ کشور در کنار دولت می‌فرماید: «من از شما خواستارم که به دولت کمک کنید و در همهٔ صحنه‌ها حضور داشته باشید. منتظر نباشید که دولت همه کار را بکند. دولت نمی‌تواند همهٔ کارها را انجام بدهد، شما باید پشتیبانی کنید» [۴۳]. مفهوم «مردم‌سالاری دینی» از دو مولفهٔ «مردم‌سالاری» و «دینی» تشکیل می‌شود. این مفهوم مثل ترکیب عبارت «جمهوری اسلامی» است؛ یعنی مردم‌سالاری مثل جمهوری، نشان‌دهندهٔ شکل و توجه به نقش مردم و «دینی» نشان‌دهندهٔ جهت و محتوای حکومت است که همان احکام و قوانین اسلام باشد [۴۴]. نظارت و زیر ذره‌بین نگه‌داشتن افراد و حاکمان حکمرانی‌ها به چند روش امکان پذیر است. نخست، نظارت الهی است که با اعتقاد افراد و زمامداران به ایمان، تقوا و معنویت امکان پذیر است. دوم، نظارت نفس لواحه و مطمئنه که هر انسانی با شرط کردن با خود، حساب‌پس‌دهی به خود، مراقبت از خود و معاقبهٔ خود، می‌تواند نظارت بر خود را انجام دهد. سوم، نظارت مردمی یا افراد جامعه است که باید یکدیگر و حکمرانان را بر مبنای دستورات دینی و نه جستجو و تجسس در زندگی شخصی دیگران و بر پایهٔ اصول امر به معروف و نهی از منکر، زیر ذره‌بین نظارت عمومی و مردمی قرار دهند. چهارم، نظارت نهادی و ساختاری است که مردم و حکمرانان بر اساس ساختارها، نهادها و سازمان‌های مشخص در هر جامعه‌ای مورد نظارت و ارزیابی عملکرد قرار می‌گیرند. به‌عنوان مثال، نیروی انتظامی، قوهٔ قضائیه، شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام و قوهٔ مقننه بخشی از دستگاه‌های نظارتی جمهوری اسلامی ایران در ساختار کنونی می‌باشند که با نظارت نهادی خود با جلوگیری از انحراف حکمرانان و حکمرانی دولتی باعث ارتقاء اقتدار ملی می‌شوند. به‌طور کلی انواع نظارت‌های اجتماعی عبارتند از: ۱- نظارت الهی، ۲- نظارت شخصی، ۳- نظارت مردمی (نظارت همگانی)، ۴- نظارت نهادی.



شکل ۱ انواع نظارت‌ها در حکمرانی متعالی اسلام؛ (منبع: نگارندگان)

۵- مشورت‌پذیری و تصمیم‌گیری منطقی با اتکال به خدا

یکی دیگر از صفات حاکم اسلامی این است که اهل شور و مشورت باشد. شورا، عبارت است از اظهارنظر خواستن از دیگران و دخالت دادن آنها نسبت به یک امر و پرهیز از تک‌روی و استبداد رأی می‌باشد. شورا برای درک حقایق و کشف مجهولات یک روش عقلایی است که در همهٔ جهان بین انسان‌ها معمول است. اگر افرادی از این طریق عقلایی عدول کنند، دلیل غرور و خودخواهی آنان است و در نظر عقلا محکوم‌اند. بنابراین شور و مشورت برای رهبر و حاکم اسلامی یک امر لازم است [۳۶]. اما، مشورت در مسائلی است که مربوط به مردم باشد، ولی در اموری که مربوط به خداوند است نظیر بعثت، امامت و عبادت، جای مشورت نیست [۴۵].

۶- شایسته‌سالاری، مسئولیت‌پذیری، پاسخگوئی و شفافیت

ارزیابی مسئولیت‌پذیری و پاسخگوئی دولت‌ها و دولتمردان بر اساس رضایت‌مندی یا عدم رضایت مخاطبان‌شان یعنی شهروندان یا مردم یک ملت می‌باشد [۸]. امام خمینی OoΠ در مورد مسئولیت‌پذیری و انجام صحیح و کامل وظایف حکمرانان می‌فرماید: «اگر یک مملکت کارمندش و دولتش و ملتش و روحانیش و بازارش و همه چیز، وقتی هر کدام به آن وظایفی که خدای تبارک و تعالی محول کرده بر آنها، خوب عمل می‌کردند، این مملکت بعد از چندی همه‌اش درست می‌شود» [۴۳]. در کتاب صحیح مسلم به نقل از پیامبر اکرم OoΠ ضمن تأکید و بیان اهمیت مسئولیت همگانی در جامعه، حکمرانان را مسئول و سرپرست مردم و نیز جوابگوی اعمالشان در مقابل خواست مردم می‌داند: «الا کلکم

راع و کلکم مسئول عن رعیته، فالامیر الذی علی الناس راع و هو مسئول عن رعیته ...»؛ بدانید که همه شما سرپرست و رعیت‌دار هستید و همگان درباره رعیت و زیردستان خود بازخواست می‌شوند. فرمانروا، سرپرست مردم است و نسبت به رعیت خود بازخواست می‌شود [۴۶]. دانایی فرد در رساله دکتري خود در خصوص اعتماد عمومی و رابطه پاسخگویی با آن می‌نویسد: «پاسخگویی در شش حوزه یا نوع مورد بررسی قرار می‌گیرد: پاسخگویی قانونی، اخلاقی، مالی، عملکردی، دموکراتیک و سیاسی» [۴۷]. شفافیت، جریان یافتن به موقع و مطمئن اطلاعات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در مورد استفاده سرمایه‌گذاران خصوصی از وام‌ها و ارزش اعتباری وام‌گیرندگان، خدمات‌رسانی دولت، سیاست‌های مالی و پولی و فعالیت‌های مؤسسات بین‌المللی را فراهم می‌سازد. شفافیت به معنای اختیار دادن به شهروندان برای تبدیل شدن به میلیون‌ها حسابرس در جامعه و داشتن حق اظهارنظر و دسترسی به مطبوعات آزاد است [۴۸-۴۹]. شفافیت به معنای اختیار دادن به مردم برای تبدیل شدن به حسابرسان در جامعه و داشتن حق اظهارنظر و دسترسی به اطلاعات آزاد است. در چنین حالتی شفافیت در مقابل پنهان‌کاری و تصمیم‌گیری‌ها به‌شمار می‌آید. به این دلیل که در پنهان‌کاری امکان بروز فساد در تصمیم‌گیری وجود دارد، در صورتی که شفافیت مانع بروز و گسترش آن می‌شود [۵۰]. یکی از ارکان مهم در امور نظام‌های سیاسی، مسئله «شایسته‌سالاری» است؛ زیرا با انتخاب نماینده‌های مجرب، متعهد، توانمند و شایسته می‌شود سلامت و کارآمدی سیستم تصمیم‌گیری و نظارت کشور را تضمین نموده و شاهد پیشرفت و تعالی هر چه بیشتر یک نظام سیاسی باشیم. شایسته‌سالاری اصطلاحی در دانش سیاسی و حکومت‌داری می‌باشد. شایستگی به معنای داشتن توانایی، مهارت، دانش، لیاقت و صلاحیت است. در شایسته‌سالاری، هدف این است که افراد شایسته برگزیده مشغول در پست‌های فرماندهی و مدیریت در سلسله‌مراتب شوند و تصمیم‌گیر و الگوساز باشند. سنت الهی بر این است که به هیچ کس جز بر اساس شایستگی لازم، مسئولیتی نمی‌دهد. این مهم در واگذاری مقام خطیر نبوت، امامت، مقامات معنوی و رهبری‌ها و هدایت‌های اساسی کاملاً نمایان است.

۷- امانت‌داری، وفای به عهد و مبارزه با فساد

چون هدف نظام اسلامی تعالی بشر در ابعاد مختلف مادی و معنوی است و کارگزاران خود را متعهد به انجام فرامین الهی می‌دانند؛ از این رو هر نوع تخلف آنان از مسئولیت‌های واگذار شده، نوعی نقض پیمان به حریم الهی خواهد بود. بنابراین، اولین ویژگی کارگزاران در نظام اسلامی آن است که مسئولیت واگذار شده به خویش را پیمان الهی دانسته و به آن میثاق تا آخرین لحظه اتمام مأموریت‌شان پایبند باشند. [۵۱]. حکمرانی یک امانت الهی در دست حکمرانان است، چنان که خداوند می‌فرماید: «ان الله یامرکم ان تودوا الامانات الی اهلها» (نساء/ ۵۸)؛ خدا به شما امر می‌کند که امانت‌ها را البته به صاحبانش باز دهید [۳۷]. مسلم نیشابوی به نقل از رسول اکرم (ص) در خصوص این که حکومت امانت الهی است، می‌نویسد: «انها امانه و انها یوم القیامه خزی و ندامه الا من اخذها بحقها و ادى الذی علیه فیها» [۵۲]. حکومت در دست حاکم امانت است، و آن در روز قیامت مایه خواری و پشیمانی است، مگر کسی که آن را به حق و از راه مشروع تصاحب کند، و به‌وظیفه خویش عمل نماید [۵۳]. از نظر امام خمینی (ره) منشأ بدبختی و عقب‌افتادگی ملت‌ها و کشورها فساد هیئت حاکمه است. ایشان در این باره می‌فرماید: «اگر چنانچه هیئت حاکمه، کسانی که قدرت یک کشور در دست آنها است، این‌ها فاسد باشند، مملکت را به فساد می‌کشاند، همه بعدهای مملکت را رو به نیستی و فساد می‌برند» [۵۱]. البته فساد نیز ابعاد مختلفی دارد. فساد اعتقادی، اخلاقی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، محیط‌زیستی از جمله مصادیق و مظاهر فساد هستند که حکمرانان پس از خودسازی، با تقنین قوانین محکم و متقن و نظارت همه‌جانبه می‌توانند، راه‌های نفوذ فاسدان و نهادینه شدن فساد را در مقیاس‌های مختلف حکمرانی مسدود نمایند.

۸- انصاف، برادری و عدالت‌محوری فضایی، قومی، نژادی و مذهبی

رعایت عدالت و انصاف، از شاخص‌ترین مشخصات حکومت دینی است، که بدون آن، دینی نامیدن حکومت، نادرست خواهد بود. حال، مدیری که در پی ایجاد عدالت در جامعه است، باید این تعادل‌بخشی را نخست در صحنه وجودی خود اجرا نماید، که موفقیت او در این کار، نقطه امید است که عدالت را در جامعه و در حق دیگران نیز اجرا نماید. اما اگر کسی نسبت به خویشتن خویش ظلم روا دارد، به یقین در حق دیگران نیز جفا خواهد کرد [۵۴]. برخی از ابزارهای تحقق عدالت اجتماعی از نظر امام عبارتند از: تشکیل حکومت برای اجرای قوانین و احکام اسلام، اعتقاد زمامداران به عدالت و دفاع از محرومان، ساده‌زیستی مسئولان، بهره‌گیری از نظر کارشناسان امر و استقلال و خودکفایی به‌ویژه درباره کالاهای اساسی مردم [۵۵]. شاخص دیگر سیره حکمرانی نبوی، صفا و اخوت است. در نظام نبوی، درگیری‌های برخاسته از انگیزه‌های خرافی، شخصی، سودطلبی و منفعت‌طلبی مبعوض است و با آن مبارزه می‌شود. فضا، فضای صمیمیت و اخوت و برادری و همدلی است [۳۵].

برابری همه در مقابل قانون، برابری فرصت‌های اجتماعی و سیاسی، حفظ حقوق قانونی اقلیت‌های مذهبی، تأمین حقوق قشرهای مختلف مردم، رفع نیازهای اساسی مردم مثل تأمین آب، برق، مسکن، شغل، تحصیل و بهداشت و ایجاد زمینه برای مشارکت سیاسی ملت، بعضی از شاخصه‌های عدالت اجتماعی در اندیشه سیاسی امام خمینی O@Π است [۵۵]. در حدیث نبوی منسوب به پیامبر اکرم OμΠ می‌خوانیم: «احسنوا الی رعیتکم فانها اسراکم و قیل الملک یبقی مع الکفر و لا یبقی الجور مع الایمان»؛ به رعیت خودتان نیکی کنید؛ زیرا آنان به منزله اسیران شما هستند. گفته شده فرمانروایی عادلانه کارفران باقی می‌ماند، اما فرمانروایی ظالمانه مؤمنان برقرار نخواهد ماند [۵۶]. به همین دلیل است که پیامبر OμΠ در فرمایش پُر حکمت خویش مبنی بر این که «الملک یبقی مع الکفر و لا یبقی مع الظلم»؛ حکومت با کفر می‌ماند ولی با ظلم نمی‌ماند، از همین حقیقت حکایت دارد [۵۷]. که حکومت‌ها حتی اگر کافر باشند، ممکن است ماندگاری داشته باشند هر چند مشروعیت نداشته باشند، اما حکومتی که ظلم و بی‌عدالتی در آن مردم را به ستوه آورده دوام و پایداری نخواهد داشت.

۹- تأمین استقلال، آزادی، امنیت و استکبارستیزی همراه با عزّت ملی

فرهنگ علوم سیاسی، استقلال را به جدابودن حاکمیت یک کشور از هر نوع سلطه و اقتدار خارجی تعریف کرده است؛ حقی که به موجب آن، هر کشور در سیاست داخلی و خارجی خود آزاد است. استقلال خارجی، یعنی آزادی عمل در برقراری روابط با دیگر کشورها و درباره مسائل خارجی به‌طور کلی و استقلال داخلی، یعنی آزادی عمل در چارچوب سرحدات کشوری [۵۸]. حکومت اسلامی حق آزادی را از هیچ کس نمی‌گیرد، اجازه نمی‌دهد که کسانی بر او سلطه پیدا کنند که حق آزادی را به اسم آزادی از آنها سلب کند و حق استقلال را به اسم استقلال از آنها سلب کند [۴۳]. از نظر امام خمینی O@Π، اسلام و قوانین اسلامی، قانون اساسی، عقل، نظارت عمومی، تقوا و دستگاه قضایی مستقل، حاکمیت قانون و پذیرش اصل تفکیک قوا، از راه‌های تأمین و تعیین‌کننده محدوده آزادی است [۶۰-۵۹]. قاعده «نفی سبیل» یکی از مولفه‌های راهبردی «الگوی اقتدار ملی در سیاست خارجی اسلامی» است، خداوند در قوانین شریعت اسلام، هیچ‌گونه راه نفوذ و تسلط کفار بر مسلمین را بازنگذاشته و هرگونه راه تسلط کافرین بر مسلمین را بسته است، پس، در هیچ زمینه‌ای اعم از سیاسی، اقتصادی، نظامی، فرهنگی، تجاری و حتی مشاوره‌ای (استخدام مستشاران خارجی)، امکان تسلط کفار بر مسلمین، به لحاظ شرعی وجود نداشته و انجام دادن آن بر مسلمین حرام است [۶۱]. وظیفه هر دولت در درجه اول دفاع از مردم آن در برابر حملات دشمنان داخلی و خارجی و دفاع از حریم جغرافیایی یا مرزهاست [۲۹]. پس تأمین امنیت برای جامعه توسط رهبر، دولت و حکمرانان به دو بخش امنیت در برابر دشمنان داخلی و مقابله با دشمنان خارجی تقسیم می‌شود.

۱۰- تعاون و همکاری، تأمین رفاه عمومی و خدمت‌رسانی همراه با وحدت

امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب O@Π در خصوص تعاون و همکاری با شناخت اقشار گوناگون جامعه جهت تأمین رفاه عمومی مردم در نامه ۵۳ خطاب به مالک اشتر چنین می‌فرماید: «ای مالک، بدان! مردم از گروه‌های گوناگونی می‌باشند که اصلاح هر یک جز با دیگری امکان ندارد، و هیچ یک از گروه‌ها از گروه دیگری بی‌نیاز نیست. از آن قشرها، لشکریان خدا، نویسندگان عمومی و خصوصی، قضات دادگستر، کارگزاران عدل و نظم اجتماعی، جزیه‌دهندگان، پرداخت‌کنندگان مالیات، تجار و بازرگانان، صاحبان صنعت و پیشه‌وران، و نیز طبقه پایین جامعه، یعنی نیازمندان و مستمندان می‌باشند، که برای هر یک خداوند سهمی مقرر داشته و مقدار واجب آن را در قرآن یا سنت پیامبر OμΠ تعیین کرده که پیمانی از طرف خداست و نگهداری آن بر ما لازم است [۶۲]. مفهوم رفاه در جامعه اسلامی بسیار گسترده است؛ به‌نحوی که علاوه بر تأمین امکانات بهداشتی و تحصیلی برای همگان، برخورداری از مسکن، غذا و پوشاک سالم، فراهم‌سازی شرایط رشد و پیشرفت و توسعه شرایط فردی و اجتماعی را نیز دربر می‌گیرد؛ رفاهی که زمینه انتخاب آزاد در فضایی آرام و با نشاط را برای احاد جامعه فراهم می‌سازد و موانع پیشرفت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را از میان برمی‌دارد [۱۷]. امیرالمؤمنین علی O@Π در خصوص رسیدگی به معیشت خدمت‌گزاران دولتی و پیشگیری از فساد اقتصادی، رانت‌خواری، رشوه‌خواری و حفظ بیت‌المال چنین به مالک اشتر سفارش می‌نماید: «روزی فراوان بر آنان ارزانی‌دار، که با گرفتن حقوق کافی در اصلاح خود بیشتر می‌کوشند، و با بی‌نیازی، دست به اموال بیت‌المال نمی‌زنند، و اتمام حجتی است بر آنان اگر فرمانت را نپذیرند یا در امانت تو خیانت کنند» [۶۲]. در واقع از جلوه‌های بارز حکمرانی متعالی، رسیدگی به ضعیف‌ترین اقشار جامعه، تدبیر امور آینده، بهینه‌سازی شیوه مصرف درآمدهای عمومی، رعایت پیمان‌های عمومی و خصوصی، رعایت حریم بیت‌المال و انتقادپذیری برای اصلاح خود و کاربست انتقادهای در استمرار یادگیری است [۱۷].



شکل ۲ ویژگی‌های حکمرانی متعالی براساس مبانی نظری اسلام؛ (منبع: نگارندگان)

۳-۴- ویژگی‌ها و مولفه‌های حکمرانی خوب در غرب

منظور از حکمرانی خوب «اعمال قدرت اقتصادی، سیاسی و اداری بر اساس قانون، پاسخگویی و اثربخشی» است [۲]. براساس تعریف برنامه عمران سازمان ملل حکمرانی خوب عبارت است از مدیریت امور عمومی بر اساس حاکمیت قانون، دستگاه قضایی کارآمد و عادلانه و مشارکت گسترده مردم در فرآیند حکومت‌داری [۱۰]. حکمرانی خوب به عنوان یک موضوع نوپیدا، از حیث ساختار دو جنبه دارد. یکی این که بر نقش مشارکتی مردم در حکمرانی تأکید می‌کند و دیگر این که الگوی مشارکت را بر مبنای یک الگوی سه‌وجهی از «حکومت»، «بخش خصوصی» و «نهادهای مدنی» ارائه می‌کند که هر کدام نقش و وظایفی بر عهده دارند [۶۳]. حکمرانی خوب الگوی جدیدی برای توسعه پایدار است. در این الگو بر همکاری مبتنی بر شراکت و تعامل سه بخش دولت، خصوصی و مدنی تأکید شده و به موجب آن کشورها بتوانند از همه توانمندی‌های خود در توسعه همه‌جانبه استفاده کنند [۶۴].



شکل ۳ مشارکت مردمی بر مبنای الگوی سه‌وجهی حکمرانی خوب؛ (منبع: نگارندگان)

موضوع حکمرانی خوب با هدف دستیابی به توسعه پایدار مطرح شده است که در آن بر کاهش فقر، ایجاد شغل و رفاه پایدار، حفاظت و تجدید حیات محیط‌زیست و رشد و توسعه زنان تأکید می‌شود، که همه این‌ها با حکمرانی خوب تحقق می‌یابد [۶۶-۶۵-۶۴]. همچنین براساس گزارش سازمان ملل متحد، ویژگی‌های بنیادی گاورننس مطلوب، مشارکت، قانونمندی، شفافیت، مسئولیت‌پذیری، محاسبه‌پذیری، جهت‌گیری هماهنگ، اثربخشی و کارایی، برابری و پاسخگویی است [۶۷]. همچنین در گزارش کمیسیون اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل

متحد برای آسیا و اقیانوسیه، حکمرانی خوب دارای هشت ویژگی عمده است. این ویژگی‌ها عبارت‌اند از: مشارکت، اجماع‌محوری، پاسخگویی، شفافیت، مسئولیت‌پذیری، اثربخشی و کارایی، عدالت و فراگیری و پیروی از حاکمیت قانون. این ویژگی‌ها تضمین می‌کند که فساد به حداقل برسد، نظر اقلیت‌ها به حساب بیاید و صدای اقشار آسیب‌پذیر جامعه در تصمیم‌گیری‌ها شنیده شود. همچنین به نیازهای حال و آینده جامعه پاسخ داده شود [۶۳]. بر همین اساس ویژگی‌ها و مولفه‌های حکمرانی خوب عبارتند از:

۱- مشارکت سیاسی^۱

مشارکت به معنای لحاظ نمودن نظرات همه افراد در تصمیم‌گیری و دخالت دادن آنها در تصمیمات است [۴۸]. مشارکت زنان و مردان بنیاد و اساس حکمروایی خوب است. مشارکت ممکن است مستقیم و یا از طریق نهادهای قانونی واسطه صورت گیرد [۶]. (افزایش مشارکت عمومی در تصمیم‌گیری کمک می‌کند تا شهروندان با آگاهی و اطلاعات در تصمیم‌گیری دخالت داشته و اثربخش باشند. شهروندان باید این حق را داشته باشند تا لوایح و مقررات خودسرانه، آمرانه و بی‌اعتنا به منافع عمومی را از طریق فرایندهای کاملاً معین شده به چالش بکشند [۶۸]. مشارکت شهروندان اغلب حول سه محور «مشارکت سیاسی»، «مشارکت اقتصادی» و «مشارکت اجتماعی» مورد بحث قرار می‌گیرد. با وجود این، شیوه‌های مختلفی از دخالت دادن مردم در اداره دولت وجود دارد [۶۹]. اما در حکمرانی خوب، مشارکت مردم در فرایندهای حکمرانی برای تحقق رشد اقتصادی و استفاده بیشتر از منابع مادی و طبیعی و در جهت تأمین رفاه و امنیت می‌باشد [۳۲].

۲- کیفیت قوانین و مقررات^۲ (نظم‌دهی)

در حکمرانی خوب، اساس تدوین قوانین، علم، عقل، تجربه و خرد جمعی می‌باشد [۳۲]. کیفیت مقررات، مفهوم کنترل قیمت‌ها، نظارت بر سیستم بانکی و مواردی از قبیل عدم تحمیل فشار بر صاحبان کسب‌وکار به منظور توسعه تجارت مدنظر قرار می‌گیرد [۷۰]. این شاخص، توانایی را در تدوین و اجرای سیاست‌های بی‌عیب و نقص و قوانینی می‌سنجد که اجازه توسعه به بخش خصوصی می‌دهند و آن را ترویج می‌کنند [۷۱]. به عبارت دیگر، توانایی دولت در فرموله کردن و اجرای دقیق خط‌مشی‌ها و ارائه مقرراتی که اجازه حضور، ارتقاء و توسعه بخش خصوصی را می‌دهد [۷۲-۷]. به سخن دیگر، توانایی دولت (حکومت) در تدوین و اجرای خط‌مشی‌ها و مقررات درست و بی‌عیب که توسعه و پیشرفت بخش خصوصی را اجازه داده و ارتقاء می‌بخشد، از ویژگی‌های کیفیت تنظیم مقررات است [۷۳].

۳- پایداری سیاسی و فقدان خشونت^۳

این شاخص برداشت‌های احتمالی را می‌سنجد که براساس آنها، ممکن است حکومت توسط حرکت‌های مخالف یا بوسیله خشونت از جمله تروریسم، متزلزل و یا سرنگون گردد [۷۱]. بی‌ثباتی سیاسی و خشونت بیانگر احتمال سرنگونی یک حکومت و نظام سیاسی از طرق غیرقانونی یا ابزارهای خشونت‌آمیز است. عمده بحث این شاخص مربوط به تروریسم و خشونت است. براساس این شاخص، هر چه احتمال نبودن ثبات سیاسی در یک کشور بیشتر باشد نشان‌دهنده حکمرانی ضعیف و هر چه کشوری از ثبات سیاسی بیشتری برخوردار باشد، در زمینه حکمرانی امتیاز بالاتری را کسب می‌کند [۷۴]. احساس امکان این که دولت، ناپایدار است یا به شیوه‌ای خلاف قانون اساسی و یا به وسیله خشونت اعم از خشونت سیاسی و تروریسم، منحل یا فروپاشیده خواهد شد، برخلاف قواعد گاورننس مطلوب است [۷۲-۷]. ادارک این احتمال که دولت به وسیله ابزارهای مغایر با قانون اساسی یا ابزارهای خشونت شامل خشونت (شورش) داخلی یا تروریسم، بی‌ثبات یا سرنگون خواهد شد از نشانه‌های بی‌ثباتی سیاسی و خشونت است [۷۳].

۴- کارایی^۴ اثربخشی^۵ و کارآمدی^۶

رویکرد حکمرانی خوب و مؤلفه‌های مربوط به آن به‌شکلی توأمان درهم تنیده‌اند، اما در میان این مؤلفه‌ها می‌توان به کارآمدی و کارایی جایگاهی محوری داد [۷۵]. اثربخشی دولت به این معناست که کیفیت خدمات عمومی، کیفیت خدمات شهری و استقلال آن از فشارهای سیاسی، کیفیت تدوین خط‌مشی و اعتبار تعهد دولت به این خط‌مشی‌ها به بهترین شکل ممکن صورت پذیرد [۷۳]. در این شاخص، کیفیت خدمات عمومی، کیفیت بوروکراسی، صلاحیت حکمرانان شهری و میزان استقلال خدمات شهری از فشارهای سیاسی مدنظر است. همچنین

1 Policy Participation

2 Quality Rules and Regulations

3 Political Instability and Violence

4 Effectiveness

5 Efficiency

6 Competence

کیفیت تدوین و اجرای خط‌مشی‌های عمومی و دولتی، و میزان اعتبار تعهدی که دولت در برابر این سیاست‌ها دارد در این شاخص در کانون ارزیابی قرار می‌گیرد [۷۰]. این شاخص برای سنجش کیفیت خدمات عمومی، کیفیت خدمات مدنی و درجه استقلال آنها از فشارهای سیاسی، کیفیت تدوین و اجرای سیاست‌ها و باورپذیری مجموعه حکومت به چنین سیاست‌هایی به کار می‌رود [۷۱]. امروزه کارآمدی در بررسی‌ها، تصویری است از ظرفیت دولت برای پیاپی‌سازی سیاست‌ها که از طریق کیفیت خدمات عمومی، کیفیت خدمات شهری و درجه استقلال از فشارهای سیاسی با کیفیت تدوین سیاست‌ها و اجرای آنها و اعتبار دولت به این سیاست‌ها سنجیده می‌شود [۷۶]. کارآمدی دولت در انجام وظایف محوله که شامل مقولات ذهنی همچون کیفیت تهیه و تدارک خدمات عمومی یا کیفیت نظام اداری، صلاحیت و شایستگی کارگزاران و استقلال خدمات همگانی از فشارهای سیاسی است [۷۷].

۵- مسئولیت‌پذیری^۱ و پاسخگویی^۲ و حق اظهارنظر^۳

پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری عبارت است از پاسخگویی در مقابل شکایت‌ها، سؤال‌ها و انتقادهای عموم. همچنین پاسخگویی به معنای مشخص کردن حدود مسئولیت‌هاست. مشخص کردن اینکه «چه کسی در مقابل چه چیزی به چه کسی پاسخگو است». به عبارت دیگر، تناسب مسئولیت‌های واگذار شده به رهبران سیاسی و عدم فساد آنها و نیز پاسخگویی اثربخش شامل دسترسی به اطلاعات، تجزیه و تحلیل و ارائه گزارش و توانایی عمل از مصادیق پاسخگویی رهبران سیاسی و نهادهای دولتی پاسخگو می‌باشد [۷۸]. حق اظهارنظر و پاسخگویی یعنی مردم بتوانند دولت را در برابر آنچه که بر آنها تأثیر می‌گذارد مورد سؤال و بازخواست قرار دهند. افراد قادر باشند اهداف خود را انتخاب و پیگیری نمایند و آزادانه نظرات خود را بیان کنند. آزادی بیان سبب مشارکت افراد می‌شود و این مشارکت عاملی برای رهبری و مشروعیت بخشیدن به سازمان‌ها و نهادها و رضایت بیشتر افراد و بهبود کیفیت زندگی است [۷۹]. این شاخص، حوزه‌ای را می‌سنجد که در آن، شهروندان یک کشور قادرند تا در انتخاب حکومت‌شان مشارکت کنند، دارای آزادی بیان، آزادی تشکلات و اجتماعات و آزادی رسانه‌ها هستند [۷۱]. کافمن در مورد پاسخگویی می‌نویسد: «میزانی که شهروندان یک کشور قادر به مشارکت در انتخاب دولت‌شان باشند و همین‌طور آزادی اظهار عقیده، آزادی انجمن‌ها و آزادی رسانه‌ها از عوامل پاسخگویی دولت‌هاست» [۷۳].

۶- حاکمیت قانون^۴ و کنترل فساد^۵

چهارچوب‌های قانونی باید عادلانه باشند و بدون تبعیض و جانبداری به‌خصوص قوانین مربوط به حقوق انسانی به اجرا در آیند [۶۸]. اینکه تا چه میزان قوانین در یک جامعه واقعی‌اند و می‌توان به اجرای آنها اطمینان داشت با این شاخص ارزیابی می‌شود. در این شاخص به‌ویژه اجرای قراردادهای، احتمال وقوع جرم‌های خشونت‌آمیز و غیرخشونت‌آمیز، اثربخشی و قابلیت پیش‌بینی عملکرد محاکم قضایی، در یک جامعه مدنظر است [۷۰]. میزان احترام عملی که دولتمردان و شهروندان یک کشور برای نهادهایی قائل هستند که با هدف وضع و اجرای قانون حل اختلاف ایجاد شده را حاکمیت قانون می‌گویند. اینکه افراد در برابر قانون یکسان بوده و حقوق اکثریت و اقلیت مورد توجه قرار گیرد، امنیت و احساس خوشبختی و رضایت از زندگی فراهم گردد، و قوه قضائیه مستقل باشد، پیش‌نیاز حاکمیت قانون است [۶۵]. این شاخص، حوزه‌ای را می‌سنجد که در آن، عاملان به قوانین جامعه اعتماد دارند و از آنها اطاعت می‌کنند. همچنین این شاخص بیانگر کیفیت قراردادهای، کار پلیس، دادگاه‌ها و نیز احتمال خشونت و جنایت است [۷۱]. این اصطلاح بدین مفهوم است که نمایندگان مردم مورد اعتماد هستند و به وسیله حاکمان جامعه باید پایدار بمانند. همچنین کیفیت اجرای پیمان و معاهده‌ها و عملکرد پلیس و دستگاه قضایی به‌گونه‌ای باشد که مورد اعتماد و امین مردم باشد [۷۲]. میزانی که موجب می‌شود نمایندگان (عاملان) به قوانین جامعه اطمینان داشته و پایبند باشند و به‌ویژه کیفیت اجرای تعهدات، خط‌مشی‌ها و همچنین اطمینان و پایبندی دادگاه‌ها در برابر جرم و جنایت را حاکمیت قانون گویند [۷۳]. فراوانی «پرداخت‌های اضافی جهت انجام کارها» جنبه قابل تأمل در این بخش است. به عبارت دیگر، فساد رفتاری را شامل می‌شود که در پی آن افراد صاحب قدرت از نفوذ خود در بخش دولتی به‌عنوان مزیتی در راستای منافع شخصی خود بهره می‌برند [۷۰]. اگر قدرت عمومی برای نفع شخصی و خصوصی چه به صورت جزئی و چه به صورت کلان اعمال شود، فساد روی داده است. همچنان که نخبگان و علاقمندان بخش خصوصی، برخی پُست‌های حکومتی را در اختیار می‌گیرند و از آن برای منافع خصوصی استفاده می‌کنند [۷۲]. میزانی از قدرت عمومی که برای منافع شخصی استفاده می‌شود، شامل اشکال خُرد و بزرگ فساد و همین‌طور تسخیر دولت به دست نخبگان و در جهت منافع شخصی را فساد گویند [۷۳].

1 Responsibility

2 Accountability

3 Voice

4 Rule of Law

5 Control of Corruption

۷- جریان آزاد اطلاعات و شفافیت^۱

شفافیت براساس جریان آزاد اطلاعات شکل می‌گیرد. فرایندها، مؤسسات و اطلاعات، به‌طور مستقیم در اختیار کسانی قرار می‌گیرند که با آنها ارتباط دارند و برای شناخت و نظارت بر آنها، اطلاعات کافی ارائه می‌شود [۶۸]. شفافیت بدان معناست که تصمیمات و اجرای آن با استفاده از قوانین و مقررات انجام گیرد. همچنین امکان دسترسی به اطلاعات به صورت آزادانه برای همه کسانی که در معرض این تصمیمات‌اند، مقدور باشد. معنای دیگر شفافیت، ارائه اطلاعات لازم و قابل فهم در قالب فرم‌های مشخص و از طریق رسانه‌های عمومی می‌باشد [۶۳]. شفافیت به این معناست که تصمیم‌گیری‌ها و اجرای آنها تابع قانون و مقررات باشد. همچنین، شفافیت به معنای دسترسی آزاد و مستقیم افراد، به‌ویژه افراد متأثر از تصمیمات، به اطلاعات است. شفافیت به این معناست که اطلاعات عرضه‌شده کافی و درک‌پذیر است و از طریق رسانه‌ها پخش می‌شود [۱۵]. به عبارت دیگر شفافیت عبارت است از توانایی شهروندان، جامعه مدنی و رسانه‌ها برای دسترسی به اطلاعات مرتبط با عملکرد مدیران براساس قوانین. همچنین ارائه اطلاعات مربوط به عملکرد به عموم شامل پیش‌بینی اطلاعات کافی برای تسهیل ارزیابی عملکرد توسط حکومت و عموم [۷۸].

۸- ارائه خدمات الکترونیک و فعالیت در فضای مجازی

فضای مجازی از ترکیب دو واژه «فضا^۲» و «مجازی^۳» تشکیل شده است. چنین فضایی محصول فناوری اطلاعات یا فناوری اطلاعات و ارتباطات است. به عبارت دیگر، فضای مجازی به‌عنوان پدیده‌ای نوظهور در زندگی بشر، محصول شبکه جهانی اینترنت است که امکان گردآوری، تمرکز، جابجایی، پردازش و کاربری اطلاعات را با استفاده از فناوری اطلاعات بین کاربران اینترنت و بازیگران فضای مجازی در سراسر جهان فراهم می‌کند [۸۰]. به عبارت دیگر، دولت الکترونیک عبارت است از مجموعه‌ای از ارتباطات الکترونیکی که بین دولت، شرکت‌ها و شهروندان رخ می‌دهد. دولت الکترونیک، شیوه‌ای برای دولت‌ها به‌منظور استفاده از فناوری‌های جدید است که تسهیلات لازم را برای دسترسی مناسب به اطلاعات و خدمات دولتی، اصلاح کیفیت آنها و ارائه فرصت‌های گسترده برای مشارکت در فرایندها و نمادهای مردم‌سالاری به افراد می‌دهد [۸۱]. آموس (۲۰۱۱) سه مدل ارائه خدمات دولت الکترونیک را شامل دولت به دولت، دولت به شهروند و دولت به دولت می‌داند. در دولت همراه نیز این چهار مدل مطرح است: دولت همراه به شهروند؛ دولت همراه به دولت؛ دولت همراه به شرکت؛ و دولت به کارمند [۸۲]. نکته بسیار مهم این است که همه مزایای توسعه حکومت الکترونیک (که آن را به حکمرانی خوب بسیار شبیه ساخته‌اند)، در گرو توسعه و ترویج زبان دسترسی و ادبیات ویژه حکومت الکترونیک در میان عامه مردم است؛ در غیر این صورت به هیچ وجه فراگردهای حساب‌پس‌دهی و شفافیت در امر حکومت، به‌طور واقعی تقویت نخواهند شد [۸۳].

۹- دموکراتیزه شدن و توسعه دموکراسی

زاهدی و ابراهیم‌پور در کتاب حکمرانی مبتنی بر پایداری، شاخص‌های ارزیابی مولفه توسعه دموکراسی در حکمرانی خوب را تحت عنوان مشروعیت و آزادی چنین معرفی کرده‌اند: «حمایت از حقوق انسانی و دموکراسی (نهادهای دموکراتیک مبتنی بر انتخابات آزاد، «هر فرد یک رأی»، و سیستم‌های چندبخشی؛ احترام به حقوق بشر نظیر آزادی بیان، آزادی مذاهب و انجمن‌ها؛ عدم تبعیض براساس جنسیت، نژاد، رنگ و مذهب؛ ارتقای تحمل (تساهل و تسامح) و هماهنگی اجتماعی؛ و احترام به حقوق انسان‌ها» [۷۸]. به نظر می‌رسد که سازوکار دموکراسی و دموکراتیزه شدن مقبول اکثر ملت‌ها و جوامع قرن حاضر بوده و با رشد شتابانی رو به افزایش است. بسیاری از حکومت‌ها خواسته یا ناخواسته به این اصل مقبول جهانی تن در داده‌اند و حتی نظام‌های استبدادی نیز بدان گردن نهاده‌اند. هر چند تفاوت زیادی میان دموکراسی‌های مختلف وجود دارد، اما شکل‌گیری دولت محلی و تفویض اختیار به نهادهای منتخب محلی در بسیاری از نقاط جهان آغاز شده که فرهنگ دموکراسی را به پیش می‌برد؛ چرا که معتقدند، برای توفیق دموکراسی در مقیاس بزرگ (ملی)، ابتدا باید دولت‌های محلی در مقیاس‌های کوچک و محلی ایجاد کرد [۷]. دموکراسی مشورتی، معادل فارسی «Deliberative Democracy» است که به معنای دیگری همچون دموکراسی نظرخواهانه [۲۷].

1 Transparency

2 Space

3 Cyber

۱۰- خودگردانی^۱ (تمرکززدایی)

خود مختاری و خودگردانی در دولت محلی مدرن یک ضرورت است تا انگیزه‌های مشارکت را افزایش دهد. مفاهیم و اصطلاحات زیادی هستند که مفهوم خودگردانی و خودمختاری را بیان می‌کنند. یوسی‌ال‌اچ می‌نویسد: «خودمختاری محلی^۲»، «خودگردانی محلی^۳»، «برخود حکومت کردن محلی»، «مدیریت محلی^۴» مفاهیمی هستند که به تدریج به قاعده‌ای برای مدیریت سرزمینی در همه نواحی دنیا تبدیل شده است [۸۴]. خودگردانی هم برای حکومت مطلوب است و هم برای مردم، و همین ویژگی بوده که جوامع بشری را واداشته تا نسبت به تشکیل حکومت‌های محلی خودگردان تلاش نمایند. شواهد تاریخی نشان می‌دهد که از دیرباز حکومت‌های محلی با اشکال مختلف وجود داشته‌اند [۸۵]. خودگردانی بر این فرض بیان می‌شود که شهروندان می‌توانند نیاز خود را به قوانین تشخیص دهند و تعهد خویش را در به اجرا در آوردن و اطاعت منطقی از آنها درک کنند. شهروندان می‌توانند قواعدی در قلمرو خود اختراع و تنظیم کنند و فقط به قواعد و قوانینی که به دست دیگران ساخته و پرداخته شده‌اند، سر نسیارند [۷].

۱۱- وفاق گسترده و اجماع محوری^۵

حکمرمایی خوب، منافع مختلف را تعدیل می‌کند تا به اتفاق نظر گسترده در خصوص بهترین نفع گروه و بهترین سیاست‌ها و رویه‌ها دست یابد [۶۸]. در جامعه، بازیگران گوناگونی با عقاید متفاوتی وجود دارند. توافق گروه‌های گوناگون در جامعه، به گونه‌ای که بیشترین نفع را برای جامعه در پی داشته باشد، از ضروریات حکمرمایی شایسته است. دستیابی به اجماع و توافق به دورنمای بلندمدت برای رسیدن به اهداف توسعه پایدار نیاز دارد. این موضوع زمانی تحقق می‌یابد که درک جامع و درستی از زمینه‌های تاریخی، فرهنگی و اجتماعی جامعه یا اجتماع وجود داشته باشد [۱۵]. بازیگران متعدد با نظرهای مختلف در یک جامعه وجود دارند. حکمرانی خوب مستلزم میانجی‌گری میان دیدگاه‌های مختلف موجود در جامعه به منظور رسیدن به اجماع گسترده به نفع کل جامعه و نحوه دستیابی به آن است؛ همچنین یک چشم‌انداز بلندمدت برای توسعه انسانی پایدار و چگونگی رسیدن به آن، نیازمند این است که، تنها از طریق درک زمینه‌های تاریخی، فرهنگی و اجتماعی یک جامعه به دست می‌آید [۶۳]. زاهدی و ابراهیم‌پور شاخص‌های ارزیابی مولفه اجماع محوری را در حکمرانی خوب تحت عنوان ظرفیت‌ها و هماهنگی چنین بیان کرده‌اند: «ظرفیت و توانایی پذیرش مسئولیت و انجام وظایف واگذار شده و توانایی و قابلیت هماهنگی بین بازیگران بخش‌های مختلف اجتماعی در درون و بیرون حکومت» [۷۸].

۱۲- فراگیری عدالت و انصاف

وجود یک جامعه بستگی به آن دارد که اعضایش اطمینان حاصل کنند که در آن سهمی دارند و از جریان اصلی جامعه حذف نشده‌اند. این امر مستلزم برخوردار شدن همه گروه‌ها به‌ویژه قشر آسیب‌پذیر از فرصت‌های رشد و بهبود است [۶۳]. به عبارت دیگر، رفاه و بهبودی یک جامعه، به تضمین این امر بستگی دارد که همه اعضای آن احساس کنند که سهم و نقشی در آن داشته باشند و خود را از جریان اصلی جامعه مستثنا تصور نکنند. این حالت مستلزم آن است که همه گروه‌ها و به‌ویژه گروه‌های آسیب‌پذیر، برای بهبود یا حفظ بهبود و رفاه خود، فرصت داشته باشند. ایجاد فرصت‌های مناسب برای همه در زمینه ارتقای وضعیت رفاهی‌شان، تلاشی در جهت تخصیص عادلانه منابع و مشارکت تمام مردم (حتی اقشار محروم و فقیر) در اعلام نظر و تصمیم‌گیری، نوعی عدالت محسوب می‌شود [۶۸]. اداره دولتی نوین مفهوم عدالت اجتماعی را جایگزین کارایی نمود. فردریکسون عنوان می‌کند که عدالت اجتماعی باید در هنگام تدوین و اجرای خط‌مشی‌های عمومی به کارایی و صرفه‌جویی افزوده شود. وی تأکید می‌کند که «برابری همه در مقابل قانون» باید مدنظر قانون‌گذار یا مجریان قانون قرار گیرد. فردریکسون هشدار می‌دهد که مدیران دولتی برای اجرای عادلانه خط‌مشی‌های عمومی لازم است که اخلاق، درستکاری و انصاف را سرلوحه خود قرار دهند و اگر خط‌مشی ناعادلانه یا غیراخلاقی است از اجرای آن جلوگیری و به مقامات مافوق برای اصلاح آن تذکر دهند [۶۹].

1 Self-Governing

2 Local Autonomy

3 Local Self-Government

4 Local Administration

5 Consensus



شکل ۳ ویژگی‌های حکمرانی خوب براساس مبانی نظری غربی و نهادهای بین‌المللی؛ (منبع: نگارندگان)

۴- تجزیه و تحلیل یافته‌ها

در یک جمع‌بندی از نسبت‌سنجی و مقایسه تطبیقی نظریه حکمرانی خوب غربی با حکمرانی متعالی در اسلام، بر مبنای آیه چهارم سوره احزاب که می‌فرماید: «ما جعل الله لرجل من قلبین فی جوفه» (احزاب/ ۴)؛ خدا برای هیچ مردی در درون او دو قلب قرار نداده است [۳۷]. می‌توان چنین نتیجه گرفت که جمع دو نظریه مخالف و متناقض امری محال است. حکمرانی متعالی منبعث از مکتب اسلام و حکمرانی خوب منبعث از مکتب لیبرال دموکراسی غربی وجوه افتراقی با یکدیگر دارند، که نادیده انگاشتن آنها در بکارگیری این دو رویکرد یا نظریه در شیوه حکومت‌داری از لحاظ نظری و ویژگی‌ها و همچنین مبانی و اجراء می‌تواند صدمات جبران‌ناپذیری را برای هر کشور اسلامی به ارمغان آورد، زیرا اساساً این دو شیوه از حکمرانی تفاوت‌های ماهوی و معناداری از جنبه‌های اصولی و ریشه‌های با هم دارند که برخی از آنها عبارتند از:

- (۱) هدف حکمرانی خوب توسعه و توسعه پایدار به‌ویژه در بُعد اقتصادی و مادی است، در حالی که هدف حکمرانی متعالی هدایت و سعادت جامعه بشری به‌عنوان نگاه و هدف متعالی و در عین حال رفاه عمومی به اندازه کفاف جامعه به‌منظور نیل به هدف اصلی است.
- (۲) رویکرد و هدف حکمرانی خوب صرفاً مادی و دنیوی است، ولی حکمرانی متعالی دیدگاهی فرامادی و فرادنیوی داشته و پیشرفت عدالت‌محور جوامع را مقدمه سعادت اخروی افراد و کشورها دانسته و حتی حکمرانی متعالی در دنیای کنونی را به‌عنوان هدف میانی و واسطه، وسیله و ابزاری برای نیل به آن هدف مقدس می‌داند. لیبرال دموکراسی و رویکرد حکمرانی خوب آن حتی حاضر است در صورت نیاز، بُعد معنوی، روحانی و متعالی انسان، اخلاق و معنویت را فدای توسعه مادی کند. زیرا حکمرانی خوب مبتنی بر «لیبرالیسم» و «اومانیزم» است. در لیبرالیسم، آنچه مطرح نیست، مبدأ (خداوند) و معاد و وحی است. در تفکر لیبرالیستی و اومانیزمی که آزادی و انسان‌گرایی محور نظریه‌پردازی است، اعتقاد به خدا موضوعیتی ندارد.

- (۳) توسعه و توسعه پایدار در حکمرانی خوب و مکتب لیبرال دموکراسی غالباً تهی از عدالت‌محوری، انصاف، برادری و برابری است، هر چند در مبانی تئوریک و بیان حکمرانان این جوامع آشکارا در لحنی عوام‌فریبانه بیان می‌گردد، اما عدالت، انصاف، راستگویی، وفای‌به‌عهد و سایر خصوصیات اخلاقی از لوازم اساسی حکمرانی متعالی می‌باشد. به عبارت دیگر، حکمرانی متعالی، پیشرفت همه ابعاد و همه افراد جامعه را با هم مطالبه می‌کند، در حالی که حکمرانی خوب با توسعه موضوعی و گروهی نیز موافق است. چنانچه دیدگاهی برخی افراد در

- دهه اول پس از پیروزی انقلاب و سال‌های سازندگی کشور این بود که: «توسعه کشور به قیمت اینکه حتی برخی از افراد و گروه‌ها زیر چرخ این توسعه از بین بروند، تا پس از توسعه مردم فقیر و مستضعف هم توسط ثروتمندان توسعه پیدا کنند.»
- (۴) در حکمرانی خوب و مکتب لیبرال دموکراسی پایه و مبنا اقتصاد است و دیگر ابعاد حکمرانی نظیر سیاست، امنیت، مباحث اجتماعی و فرهنگی، علم و فناوری و غیره حول محوریت اقتصاد معنا و مفهوم پیدا می‌کنند. به عبارت دیگر، زیربنا در این مکتب و رویکرد اقتصاد است، در صورتی که در حکمرانی متعالی فرهنگ و اعتقادات دینی و مذهبی سنگ بنا و ریشه اصلی حکمرانی اسلامی است و سایر ابعاد حکمرانی براساس مؤلفه فرهنگ تعریف و تبیین می‌شوند. به همین دلیل مکتب لیبرال دموکراسی رشدی قطاعی صرفاً در بُعد اقتصادی را برای حکمرانی خوب طلب می‌کند و در این اثنا ممکن است، سیاست، علم و اجتماع و شاید امنیت و فرهنگ نیز در پرتو اقتصاد از نتایج حکمرانی خوب بهره‌مند شوند، اما حکمرانی متعالی اسلامی، پیشرفتی همه‌جانبه در ابعاد مختلف را مدنظر دارد.
- (۱) حکمرانی خوب به بُعد معنوی، روحانی و متعالی انسان، اخلاق و معنویت توجه ندارد. این الگو در بهترین حالت ممکن، تنها به بُعد جسمانی انسان بسنده نموده و می‌تواند یک جامعه توسعه‌یافته کاملاً مادی به ارمان آورد. اما در حکمرانی متعالی مدنظر اسلام، مولفه‌ها و ویژگی‌های برای حکمرانان و حکومت اسلامی مفروض دانسته شده که اساساً مکتبی لیبرال دموکراسی غرب و رویکرد حکمرانی خوب آن در مضمون شاخص‌های خود کوچکترین اعتقادی به آنها ندارد. این ویژگی‌ها عبارتند از: ایمان (به خدا، روز قیامت، غیب و ملائکه، پیامبران و ائمه معصومین OAPI)، معنویت‌گرایی، تقوا و پرهیزکاری با دوری از گناهان (بزرگ و کوچک)، اخلاق‌محوری، نظارت همگانی با اجرای امر به معروف و نهی از منکر، تخصص‌گرایی در امور، امانت‌داری، وفای به عهد، صداقت و راستگویی، عدالت‌محوری با مردود اعلام کردن تحزب‌گرایی، گروه‌گرایی، قوم‌گرایی، نژادگرایی، مکان‌گرایی و مذهب‌گرایی، توجه به افزایش سطح بصیرت دینی و آگاهی سیاسی جامعه، توسعه علم، فناوری و پژوهش در همه ابعاد، حاکمیت دین، عقل و قانون به‌طور همزمان در جامعه، تأمین استقلال، آزادی، امنیت، عزت ملی و استکبارستیزی، ایجاد روحیه تعاون، همکاری و تأمین رفاه عمومی مردم جامعه با خدمت‌رسانی کارگزاران.
- (۲) برخی از مولفه‌هایی که در حکمرانی خوب به‌عنوان شاخص بیان شده از جنس روش حکمرانی و شیوه حکومت‌داری نیستند، بلکه اهداف و ابزار حکمرانی می‌باشند، در حالی که معمولاً در حکمرانی مطلوب روش‌ها و شیوه‌های آن مورد بحث و مذاقه نظر قرار می‌گیرد. شاخص‌هایی مانند پایداری و ثبات سیاسی، فقدان خشونت، کارایی، اثربخشی و کارآمدی، جریان آزاد اطلاعات در جامعه و خودگردانی (تمرکززدایی) واحدهای سیاسی در مقیاس فروملی از اهداف یا از نتایج اجرای حکمرانی مطلوب است. همچنین مواردی از قبیل ارائه خدمات الکترونیکی (دولت الکترونیک)، فضای مجازی، و سامانه‌محور کردن اداره امور دولتی از ابزار حکمرانی مطلوب می‌باشد. همچنین ذکر این نکته ضروری است که حتی این ابزار مانند امکان فراگیری دولت الکترونیک در جامعه کمک می‌کنند تا کارایی، اثربخشی و کارآمدی دولت‌ها افزایش پیدا کرده و در نهایت با پاسخگویی، شفافیت و نظارت همگانی بهتر و بیشتر، سطح رضایتمندی عمومی، ثبات سیاسی، مقبولیت و اقتدار ملی در جامعه افزایش پیدا کند.
- (۳) در حکمرانی خوب بالاترین مرجع و منبع برای حاکمیت قانون و کیفیت قوانین و مقررات، قانون اساسی تدوین شده توسط افراد بشر (جایز الخطاء) در هر کشور یا قراردادهای اجتماعی در درون کشورها یا بین دولت‌ها در نهادها و سازمان‌های بین‌المللی و جهانی است، که آن هم نشأت گرفته از تجربه بشری و همراه با خطا و اشتباه‌های احتمالی و کشف نشده است؛ اما در حکمرانی متعالی اسلامی بالاترین مرجع و منبع قانون‌گذاری جهت تطابق قوانین و مقررات، سرچشمه وحی الهی یعنی قرآن کریم و مفسران حقیقی و واقعی آن پیامبر اکرم OAPI و ائمه اطهار OAPI ایشان می‌باشند که ماورای عقلانیت انسانی، خلأهای تقنینی برای زندگی بشری را در جهت کمال انسانی تدوین و تشریح نموده‌اند، و در پرتو آن قانون اساسی و چشم‌انداز کشور نیز با تبعیت از این اصول در کنار تجربه اداره امور بشری تصویرسازی و اجراء می‌گردد.
- (۴) در موضوع پایداری و ثبات سیاسی و لزوم فقدان خشونت مطوحه در رویکرد حکمرانی خوب، هدف بقای حکمرانی با راضی نگهداشتن مردم جامعه بوسیله هر ابزاری است، که این مورد تفاوت ماهوی با مؤلفه‌ای مانند حاکمیت دین، عقل و قانون در جامعه در حکمرانی متعالی اسلامی دارد. زیرا در اینجا هدف پایداری و تداوم حکومت نیست، بلکه ثبات و بقای حکومت هدف میانی برای به اجراء در آوردن قوانین الهی در جامعه در جهت خدمت‌رسانی به مردم و هدایت آنها (افراد و اجتماع) به‌مظور نیل به سعادت دنیوی و اخروی است.
- (۵) تعریف واژه فساد در مکتب لیبرال دموکراسی غربی و رویکرد حکمرانی خوب، شامل آن دسته از اعمال و قاداتاماتی است که افراد و گروه‌ها برای کسب و حفظ منافع شخصی و گروهی خود انجام می‌دهند، حال آنکه نفع شخصی گروه‌های ثروتمند و قدرتمند در این مکتب یکی از اصول نانوشته و واقعیت‌های انکارناپذیر است و این تعریف از فساد بیشتر معطوف به حوزه اقتصاد است که باعث تزلزل پایه‌های مالی و اقتصادی حکمرانی می‌گردد و نتیجه آن از بین رفتن عدالت، و طبعاً فاصله طبقاتی شدید، رانت اطلاعاتی - اقتصادی، رکود تولید و رشد

تورم در جوامع می‌شود و هرگونه فعالیتی که از بروز و ظهور و رشد چنین عاملی جلوگیری به عمل آورد، به معنای کنترل فساد می‌باشد. از سوی دیگر، معنای فساد در مکتب اسلام، یک مفهوم وسیع در حوزه‌ها و ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، علمی و فناوری، نظامی و امنیتی، محیط‌زیستی و غیره می‌باشد که حکومت اسلامی و آحاد مردم جامعه با نظارت عمومی و همگانی در قالب امر به معروف و نهی از منکر موظف به کنترل، متوقف کردن و ریشه‌کن کردن این پدیده زشت و ناپسند هستند.

(۶) در ادبیات حکمرانی خوب و گاورننس مطلوب هنگامی که صحبت از رضایت جامعه، وفاق گسترده یا اجماع محوری و توسعه دموکراسی به عمل می‌آید، یکی از مباحث اصلی آن، شنیدن قشر آسیب‌پذیر است. همچنین در موضوع فراگیری عدالت و انصاف نیز توجه به این قشر را یادآوری می‌کنند، اما حکمرانی متعالی اساساً عنوان قشر آسیب‌پذیر را قبول ندارد، زیرا معتقد است با نارسایی خدمت‌رسانی از سوی کارگزاران، آنها را آسیب‌پذیر کرده‌اند، نه اینکه آنها با میل، اختیار و اراده خود آسیب‌پذیر شده‌اند، بنابراین آنها قشر مستضعف، فقیر، مسکین و درمانده جامعه هستند که به آنها ظلم شده و توسط کارگزاران دولتی به استضعاف کشانده شده‌اند و دقیقاً همان‌هایی که این قشر را به استضعاف کشیده‌اند، در ادبیات سیاسی خود، عنوان قشر آسیب‌پذیر را بر این گروه نهاده‌اند.

(۷) ویژگی نظارتی که در تمامی مولفه‌های حکمرانی خوب غربی به آن اشاره می‌شود، صرفاً توسط انسان صورت می‌پذیرد که به عنوان یکی از مبانی این اندیشه سیاسی تلقی می‌گردد. اما در اندیشه سیاسی اسلام، فقط مردم وظیفه نظارت بر عملکرد حکمرانان را ندارند، بلکه وظیفه نظارت به چهار بخش تقسیم می‌شود که عبارتند از: نظارت الهی، نظارت شخصی، نظارت مردمی (نظارت همگانی) و نظارت نهادی. دو نظارت الهی و شخصی در قالب ایمان، تقوا، معنویت و اخلاق محوری در مولفه اول حکمرانی متعالی و مطلوب به تفصیل آمده است. نحوه اجرای دو نظارت نظارت مردمی یا نظارت همگانی و نیز نظارت نهادی بر مبنای اصول و مبانی اسلامی در قوانین و شرع مقدس اسلام بیان شده است. به طور کلی می‌توان گفت، میزان بازدارندگی از فساد در نظارت مدنظر حکمرانی اسلامی به مراتب بیشتر از حکمرانی خوب در غرب است.

(۸) از تفاوت‌های مهم بین نظر اسلام و غرب، اختلاف احکام الهی با رضایت مردم است. در لیبرال دموکراسی غربی، ظاهر و محتوا با نظر مردم است. از تفاوت‌های اصلی بین دموکراسی مدنظر اسلام و جهان غرب، این است که اگر چه مردم در فعلیت و تحقق حکومت اسلامی و حاکمیت ولی فقیه، نقش محوری دارند و بدون رضایت و قبول آنان، امکان تشکیل و استمرار حکومت اسلامی و اجرای قوانین الهی وجود ندارد، اما پس از اعلام رضایت آنان، آنچه محور همه امور قرار می‌گیرد، احکام و قوانین الهی است؛ ولی در مکتب لیبرال دموکراسی غربی، نظر مردم و عقل انسان محور تمامی امور قرار می‌گیرد و دین نباید در اداره امور جامعه دخالتی کند.

(۹) رویکرد حکمرانی خوب زاییده مکتب لیبرال دموکراسی غربی، نسخه تجویزی نهادها و سازمان‌های بین‌المللی در غرب برای کشورهای جهان سوم (در ادبیات غربی‌ها)، کشورهای توسعه نیافته و در حال توسعه شامل واحدهای سیاسی قاره‌های آفریقا، آسیا، آمریکای لاتین و مرکزی است، به منزله شرط کمک‌های بین‌المللی اقتصادی، بدون در نظر گرفتن فرهنگ، اعتقادات، آداب و رسوم و سایر عوامل تأثیرگذار بر روی حکمرانی که نارسایی‌های فراوانی دارد، حال آنکه حکمرانی متعالی بر مبنای هدایت و سعادت بشریت در تمامی فضاهای جغرافیایی با فرهنگ‌ها و آداب و رسوم مختلف قابلیت اجرا و تطبیق با شرایط کشورهای گوناگون را دارد، زیرا منطبق بر اصل فطرت حقیقت‌جویی و کمال‌طلبی انسان‌ها و جوامع است.

(۱۰) یکی دیگر از موضوعاتی که امروز به‌طور گسترده لیبرال دموکراسی و رویکرد حکمرانی خوب در کشورهای آسیایی و آفریقایی تحت عناوین توسعه اقتصادی و کارآمدی نمودن دولت‌ها آن را دنبال می‌کنند، مبحث جهانی‌شدن می‌باشد. هر چند موضوع جهانی‌شدن خود نیز ذیل عناوینی چون توسعه دموکراسی، آزادی و به‌طور کلی دموکراتیزه‌سازی جهان بیان می‌گردد. برخی دیگر، عناوینی نظیر دهکده جهانی، جهان‌وطنی و سایر مفاهیم را در عصر اطلاعات و فناوری ارتباطات مطرح کرده‌اند. اما رویکرد حکمرانی متعالی هر چند در مقیاس جهانی خود از جهانشمولی حکمرانی اسلامی با نگاه مهدویت صحبت می‌کند، اما اساس و ریشه این حکمرانی مبتنی بر فریب مردم و افکار عمومی در جهت نیل به اهداف شوم وابستگی دیگر ملت‌ها به خود نیست، بلکه این حکمرانی گسترده جهانی عدالت و انصاف، برادری و اخوت را سرلوحه خود قرار داده، در صورتی که لیبرال دموکراسی غرب، در ورای ادبیات جهانی‌شدن و دهکده جهانی، استعمار و استثمار نوین، وابستگی، غارت و به بردگی کشاندن ملت‌ها و کشورهای مستضعف را دنبال می‌کند، و به‌طور کلی می‌توان گفت استقلال یک کشور و یا یک واحد سیاسی - فضایی را هم به لحاظ مبانی نظری و هم اجرایی زیر سؤال خواهد برد. در صورتی که حکمرانی متعالی در مقیاس‌های مختلف جغرافیایی و به‌طور خاص مقیاس فراملی و جهانی با شاخصه استقلال، آزادی، امنیت، عزت ملی و استکبارستیزی، هیچ نوع وابستگی برای واحدهای سیاسی و کشورها ایجاد نکرده و در عین حال مفهوم جهانی‌شدن به معنای غربی آن یعنی وابستگی ملت‌ها به غرب را نمی‌پذیرد.

۱۱) قدمت تولید و تأسیس نظریه یا بیان رویکرد حکمرانی خوب حداکثر مربوط به سه تا چهاردهه قبل می‌باشد، اما مبانی نظری حکمرانی متعالی مربوط به ۱۴ قرن قبل بوده و در زمان پیامبر اکرم (ع)، امیرالمؤمنین علی (ع) و قریب به چهار دهه عمر جمهوری اسلامی ایران به شکل عملی به منصه ظهور رسیده است.

۵- نتیجه‌گیری

حکمرانی به معنای اداره و تنظیم امور جامعه به رابطه میان شهروندان و حکومت‌کنندگان مرتبط می‌شود در واقع، فرآیندها و نهادها و کارگزاری که تصمیمات مقتضی را اتخاذ و اقتدار حاکمیتی را در یک کشور اعمال می‌کنند به نوعی حکمرانی انجام می‌دهند. به هر حال، نظریه و رویکرد حکمرانی در مکاتب، اندیشه‌ها و ایدئولوژی‌های سیاسی مختلفی مورد بحث و مذاقه قرار گرفته و هر کدام با اهداف، منظورها و ویژگی‌ها و مولفه‌های خاص خود به تشریح و تبیین آن پرداخته‌اند. در این میان دو پارادایم و دیدگاه مهم در عصر کنونی در تقابل با یکدیگر و با رویکردی متفاوت به امر حکمرانی نظر دارند، یکی مکتب دموکراسی و دیگری مکتب تئوکراسی؛ رویکرد اول با محوریت انسان و دیدگاه دوم با خدامحوری به تبیین مباحث خود می‌پردازند. مکتب انسان‌محور غربی در قالب اندیشه سیاسی دموکراسی با هدف داشتن دنیایی خوب، حکمرانی خوب را پیشنهاد می‌کند که در نهایت فراهم کردن رفاه حداکثری در این دنیا بر افراد یک جامعه هدف آن است. اما در حکمرانی متعالی که مدنظر اسلام می‌باشد، خدا محور تمام مباحث و رشد و تعالی مادی و معنوی انسان هدف اصلی در این نوع حکمرانی است.

۶- فهرست منابع

- [۱] زارعی، بهادر؛ سیدعباس احمدی و محسن عابدی‌درچه (۱۳۹۸). تبیین مولفه‌های حکمرانی متعالی در اسلام، اولین همایش ملی حکمرانی، تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی، ۲۰ آبانماه ۱۳۹۸، صص ۱۸-۱.
- [۲] میدری، احمد و جعفر خیرخواهان (۱۳۸۳). حکمرانی خوب، بنیان توسعه، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، دفتر بررسی‌های اقتصادی.
- [3] World Bank, (1989). Sub-Saharan Africa: From Crisis to Sustainable Growth. A Long-Term Perspective Study, Washington D.C.
- [4] Lateef, k. S. (1992). "Comment on Governance and Development", by Boetninger, Proceedings of the World Bank Annual Conference on Development Economics 1991, Supplement to the world bank Economic Review and Research Observer, The World Bank, Washington D.C.
- [۵] زارعی، بهادر (۱۳۹۹). حکومت محلی و توسعه ایران، تهران: ستوس.
- [۶] شریفیان‌ثانی، مریم (۱۳۸۰). مشارکت شهروندی، حکمروایی شهری و مدیریت شهری، فصلنامه مدیریت شهری، سال دوم، شماره ۸.
- [۷] ویسی، هادی (۱۳۹۲). درآمدی بر دولت محلی، چاپ اول، تابستان، تهران: سمت.
- [۸] عابدی‌درچه، محسن (۱۳۹۸). تبیین مولفه‌های الگوی حکمرانی مطلوب اسلامی- ایرانی پیشرفت در نهادینگی تمدن نوین اسلامی، مجموعه مقالات هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ پیشران‌ها، چالش‌ها و الزامات تحقق، ۲۲ و ۲۳ خردادماه، تهران: دانشگاه تهران، مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، صص ۱۳۰-۱۱۵.
- [۹] معین، محمد (۱۳۸۷). فرهنگ فارسی معین (یک جلدی)، چاپ اول، تهران: انتشارات فرهنگ‌نما.
- [10] Johnson, I. (1997). Redefining the Concept of Governance.
- [۱۱] حق‌شناس، علی‌محمد و همکاران (۱۳۷۹). فرهنگ معاصر هزاره، تهران: انتشارات فرهنگ معاصر.
- [۱۲] مجتهدزاده، پیروز (۱۳۹۲). جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی، ویراست دوم، چاپ ششم، تابستان، تهران: سمت.
- [۱۳] قالیباف، محمدباقر (۱۳۹۱). حکومت محلی یا استراتژی توزیع فضایی قدرت سیاسی در ایران، چاپ ششم، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- [14] Leacock, Stephan. (1924). Elements of Political Science, London: Constable.
- [۱۵] توکلی‌نیا، جمیله و محمدکاظم شمس‌پویا (۱۳۹۵). قدرت و حکمروایی شهری، تهران: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- [۱۶] پورعزت، علی‌اصغر (۱۳۹۱). عدالت زبانی، نقطه عطف روایت عدالت در نهج‌البلاغه، تهران: انتشارات بنیاد نهج‌البلاغه.
- [۱۷] پورعزت، علی‌اصغر؛ پاکنوش کیانی و زینب پورعزت (۱۳۹۴). خط‌مشی‌گذاری مالی در حکمرانی متعالی از منظر نهج‌البلاغه، فصلنامه نهج، شماره ۴۶، پاییز، صص ۷۴-۵۱.

- [۱۸] قاضی، ابوالفضل (۱۳۷۰). حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، جلد اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- [۱۹] تهامی، سیدمجتبی (۱۳۹۰). امنیت ملی، داکترین، سیاست‌های دفاعی و امنیتی، جلد اول، چاپ دوم، تهران: سازمان عقیدتی سیاسی ارتش جمهوری اسلامی ایران، معاونت فرهنگی (نشر آجا).
- [۲۰] شیروودی، مرتضی و اسماعیل جهان‌بین کیاده (۱۳۹۳). اندیشه‌های سیاسی در غرب از اصلاح دینی تا قرن بیستم، مجموعه کتاب‌های اندیشه و سیاست (۳). چاپ اول، بهار، قم: پژوهشکده تحقیقات اسلامی، انتشارات زمزم هدایت.
- [۲۱] قادری، حاتم (۱۳۹۴). اندیشه‌های سیاسی در قرن بیستم، چاپ شانزدهم، زمستان، تهران: سمت.
- [۲۲] کوهن، کارل (۱۳۷۳). دموکراسی، ترجمه: فریبرز مجیدی، تهران: خوارزمی.
- [۲۳] راش، مایکل (۱۳۷۷). جامعه و سیاست، ترجمه: منوچهر صبوری، چاپ اول، تهران: سمت.
- [۲۴] قاسم‌زاده، قاسم (۱۳۴۰). حقوق اساسی، تهران: انتشارات ابن‌سینا.
- [۲۵] هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۳). موج سوم دموکراسی در پایان سده بیستم، ترجمه: احمد شمس، چاپ دوم، تهران: روزنه.
- [۲۶] غفوری، محمد (۱۳۷۸). نظام‌های حزبی و نظام‌های انتخاباتی، مجموعه مقالات تحزب و توسعه سیاسی، چاپ اول، گردآورنده: دفتر مطالعات و تحقیقات وزارت کشور، تهران: انتشارات همشهری.
- [۲۷] آشوری، داریوش (۱۳۹۱). دانشنامه سیاسی (فرهنگ اصطلاحات و مکتب‌های سیاسی)، چاپ بیست و یکم، تهران: مروارید.
- [۲۸] حافظ‌نیا، محمدرضا و مراد کاویانی‌راد (۱۳۹۲). افق‌های جدید در جغرافیای سیاسی، چاپ چهارم، زمستان، تهران: سمت.
- [۲۹] رضی، سیدحامد (۱۳۹۰). شناخت و درک مفاهیم جغرافیای سیاسی، چاپ دوم، تابستان، تهران: سمت.
- [۳۰] نصرت‌پناه، محمدصادق و مسعود بخشی (۱۳۹۷). الگوی جهان‌شمول حکمرانی اسلامی در اندیشه امام خمینی OoΠ با تکیه بر نظریه اعتباریات، چاپ اول، تهران: دانشگاه امام صادق OoΠ.
- [۳۱] امام خمینی OoΠ، روح‌الله (۱۳۹۷). ولایت فقیه؛ حکومت اسلامی (تقریر بیانات امام خمینی OoΠ)، چاپ سی و یکم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی OoΠ.
- [۳۲] ناظمی‌اردکانی، محمد (۱۳۹۱). حکمرانی خوب با رویکرد اسلامی، فصلنامه راهبرد «یاس»، شماره ۳۱، پاییز، صص ۸۸-۶۴.
- [۳۳] امام خامنه‌ای OKΠ، سیدعلی (۱۳۹۷). شرحی بر بیانیه گام دوم انقلاب، چاپ اول، اسفند، تهران: معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه.
- [۳۴] امام خامنه‌ای OKΠ، سیدعلی (۱۳۹۱). ولایت و حکومت، مباحثی در مبانی حکومت الهی و شناخت چهره حاکمان و کارگزاران اسلامی، چاپ اول، ویرایش دوم، تیر، تهران: انتشارات موسسه ایمان جهادی (صهبا).
- [۳۵] امام خامنه‌ای OKΠ، سیدعلی (۱۳۹۴). انسان ۲۵۰ ساله، بیانات مقام معظم رهبری درباره زندگی سیاسی- مبارزاتی ائمه معصومین OoΠ، چاپ چهل و هشتم، خرداد، تهران: مؤسسه جهادی.
- [۳۶] محمدرضایی، محمد (۱۳۷۸). مبانی فلسفی و کلامی حکومت دینی، فصلنامه کتاب نقد، شماره ۷.
- [۳۷] قرآن کریم، (۱۳۸۳). ترجمه مهدی الهی‌قمشه‌ای، چاپ دوم، پائیز، انتشارات خوشرو، قم.
- [۳۸] امام خمینی OoΠ، سیدروح‌الله (۱۳۷۱). صحیفه نور، جلد ۲، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- [۳۹] مطهری، مرتضی (۱۳۹۶). مقدمه‌ای بر حکومت اسلامی، چاپ اول، اردیبهشت تهران: انتشارات صدرا.
- [۴۰] مجیدی، فریبرز (۱۳۷۳). دموکراسی، چاپ اول، تهران: انتشارات خوارزمی.
- [۴۱] هاشمی، سیدمحمد (۱۳۸۴). حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، تهران: نشر میزان.
- [۴۲] مصباح‌یزدی، محمدتقی (۱۳۷۸). حکومت و مشروعیت، فصلنامه کتاب نقد، شماره ۷.
- [۴۳] امام خمینی OoΠ، سیدروح‌الله (۱۳۷۸). صحیفه امام، جلد‌های ۶، ۹ و ۱۴، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی OoΠ.
- [۴۴] اکبری‌معلم، علی (۱۳۹۶). شاخص‌های اندیشه سیاسی امام خمینی OoΠ (در ابعاد فلسفه سیاسی، اخلاق سیاسی و فقه سیاسی)، چاپ اول، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد یادگار امام خمینی OoΠ.
- [۴۵] قرائتی، محسن (۱۳۸۳). تفسیر نور جلد ۱۰، چاپ دوم، بهار، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- [۴۶] محمدی‌ری‌شهری، محمد (۱۳۸۳). منتخب میزان‌الحکمه (ترجمه فارسی)، ترجمه: حمیدرضا شیخی، تلخیص: سیدحمید حسینی با اشراف سیدمحمدکاظم طباطبایی، قم: مرکز تحقیقات دارالحدیث.
- [۴۷] دانایی‌فرد، حسن (۱۳۸۲). اعتماد عمومی به سازمان‌های دولتی: طراحی مدلی برای تقویت اعتماد عمومی نسبت به مدیریت دولتی،

رساله دکتری، دانشگاه علامه طباطبائی.

- [۴۸] قلی‌پور ب، رحمت‌اله (۱۳۸۴). تحلیل رابطه الگوی حکمرانی خوب و فساد اداری، فصلنامه فرهنگ مدیریت، سال سوم، شماره دهم، پاییز، صص ۱۲۷-۱۰۳.
- [۴۹] قلی‌پور الف، رحمت‌اله (۱۳۸۳). نقش دولت در حکمرانی خوب؛ تحلیل و امکان‌سنجی در ایران، رساله دکتری، تابستان، تهران: دانشکده مدیریت و حسابداری دانشگاه علامه طباطبائی.
- [۵۰] احمدی‌پور، زهرا؛ عبدالرضا افتخاری، جلال عظیمی‌آملی و مهدی پورطاهری (۱۳۹۱). ارائه الگوی مناسب حکمروایی خوب روستایی در ایران، فصلنامه ژئوپلیتیک، شماره ۲۶، صص ۲۶-۱.
- [۵۱] عبدالحسین پورفرد، مسعود (۱۳۹۸). ثبات سیاسی در جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- [۵۲] مسلم‌بن الحجاج القشیری النیشابوری (م ۲۶۱-۲۰۶)، ابوالحسن، (۱۴۰۷ق). صحیح مسلم، تحقیق و تعلیق الدكتور موسی شاهین لاشین و الدكتور احمد عمر هاشم، الطبعة الاولى، مجلد ۲ من ۵ مجلدات، بیروت: مؤسسه عزالدین.
- [۵۳] ابراهیم‌زاده‌آملی، نبی‌الله (۱۳۷۷). حاکمیت دینی، چاپ اول، بهار، تهران: اداره آموزش‌های عقیدتی- سیاسی نمایندگی ولی‌فقیه در سپاه.
- [۵۴] سیدقریشی، مجید (۱۳۸۷). دولت اسلامی، چاپ اول، قم: دفتر نشر معارف.
- [۵۵] فوزی، یحیی (۱۳۸۴). اندیشه‌های سیاسی امام خمینی‌OwΠ، قم: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها.
- [۵۶] شعیری، محمدبن محمد (۱۳۶۳). جامع‌الآخبار، قم: انتشارات رضی.
- [۵۷] اخوان‌کاظمی، بهرام (۱۳۸۶). درآمدی بر کارآمدی در نظام سیاسی اسلام، چاپ سوم، تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
- [۵۸] آقابخشی، علی و مینو افشاری‌راد (۱۳۸۹). فرهنگ علوم سیاسی، چاپ سوم، تهران: انتشارات چاپار.
- [۵۹] افروغ، عماد (۱۳۹۱). انقلاب اسلامی و مبانی بازتولید آن، چاپ دوم، تهران: شرکت انتشارات سوره مهر (وابسته به حوزه هنری).
- [۶۰] جمشیدی، محمدحسین (۱۳۸۸). اندیشه سیاسی امام خمینی‌OwΠ، چاپ دوم، تهران: پژوهشکده امام خمینی‌OwΠ و انقلاب اسلامی وابسته به مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی‌OwΠ.
- [۶۱] محمدی، منوچهر (۱۳۷۷). سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: اصول و مسائل، تهران: نشر دادگستر.
- [۶۲] دشتی، محمد (۱۳۸۴). ترجمه نهج‌البلاغه، چاپ بیست و هفتم، بهار، قم: مؤسسه تحقیقاتی امیرالمومنین‌OwΠ.
- [۶۳] زهیری، علیرضا (۱۳۸۹). جمهوری اسلامی و مسئله هویت ملی، چاپ اول، پاییز، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- [۶۴] قلی‌پور ب، رحمت‌اله (۱۳۸۳). تحلیل و امکان‌سنجی الگوی حکمرانی خوب در ایران با تأکید بر نقش دولت، فصلنامه دانش مدیریت، شماره ۶۷، زمستان، صص ۱۱۱-۸۵.
- [۶۵] شریف‌زاده، فتاح و رحمت‌اله قلی‌پور (۱۳۸۲). حکمرانی خوب و نقش دولت، فصلنامه مدیریت فرهنگ سازمانی، دوره اول، شماره چهارم، پاییز و زمستان، صص ۱۱۰-۹۳.
- [۶۶] مقیمی، سیدمحمد؛ علی‌اصغر پورعزت؛ حسن دانایی‌فرد و حیدر احمدی (۱۳۹۵). تبیین عناصر حکمرانی خوب در سیاست‌گذاری نظام بودجه‌ریزی کشور، فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، دوره ششم، شماره ۲۱، زمستان، صص ۵۲-۳۱.
- [67] United Nations Development Program (UNDP). (2004). Decentralised Governance for Development: A Combined Practice Note on Decentralisation, Local Governance and Urban/ Rural Development.
- [۶۸] عظیمی‌آملی، جلال و عبدالرضا رکن‌الدین‌افتخاری (۱۳۹۳). حکمروایی روستایی (مدیریت توسعه پایدار)، چاپ اول، پاییز، تهران: سمت.
- [۶۹] طهماسبی، رضا (۱۳۹۷). درآمدی بر نظریه‌های مدیریت دولتی، چاپ هشتم، پاییز، تهران: سمت.
- [70] Kaufmann, Daniel.; Kraay Aart. and Zoidi-Lobaton, Pablo. (2002). Governance Matters II: Updated Indicators 2000-1. World Bank Policy Research Working Paper, (2772).
- [71] Kaufmann, Daniel. (2007). Aggregate and Governance Indicators 1996- 2006, World Bank.
- [72] Kaufmann, Daniel.; Kraay Aart. and Zoidi-Lobaton, Pablo. (2006). Governance Matters V: Aggregate and Individual Governance Indicators for 1996- 2005, Washington: The World Bank.

- [73] Kaufmann, Daniel.; Kraay Aart. and Zoidi-Lobaton, Pablo. (1999). Governance Matters Policy Research Working Paper, Washington DC: World Bank.
- [74] Ernst, Dieter and Hart, David. (2007). Governing the Global Knowledge Economy: Mind the Gap, Atlanta Conference on Science, Technology and Innovation Policy, Georgia Tech.
- [75] Graham, John. (2003). Principles for Good Governance in the 21st Century, Policy Brief, Institute on Governance, No. 15, Available at: <http://www.iog.ca>.
- [76] Kaufmann, Daniel. (2010). Global Ecinimy and Development at Brookings, World Bank.
- [77] Arndt, Christiane and Oman, Charloes. (2008). The Politics of Governance Ratings, Maastricht University Maastricht Graduate School of Governance.
- [۷۸] زاهدی، شمس‌السادات و حبیب ابراهیم‌پور (۱۳۹۱). حکمرانی مبتنی بر پایداری (با تأکید بر حفاظت محیطی)، چاپ اول، پاییز، تهران: انتشارات سمت.
- [79] Wallace, C.Pichler F. (2009). More Participation, Happier Society? A Comparative Study of Civil Society and the Quality of Life: Soc Indic Res.
- [۸۰] حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۹۴). جغرافیای سیاسی فضای مجازی، چاپ سوم، پاییز، تهران: سمت.
- [۸۱] رضایی، محمدرضا و علی داوری (۱۳۸۳). دولت الکترونیک، مجله تدبیر، شماره ۱۴۶.
- [۸۲] عاملی، سیدسعیدرضا (۱۳۹۷). الگوی حکمرانی دوفضایی، چاپ اول، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- [۸۳] پورعزت، علی‌اصغر (۱۳۹۶). مبانی دانش اداره دولت و حکومت (مبانی مدیریت دولتی)، چاپ سوم، پاییز، تهران: سمت.
- [84] United Cities and Local Governments (UCLG). (2008). Decentralization and Local Democracy in the World, First UCLG Global Report: Barselona.
- [۸۵] مقیمی، سیدمحمد (۱۳۹۴). اداره امور حکومت‌های محلی: مدیریت شوراها و شهرداری‌ها، چاپ هشتم، بهار، تهران: سمت.